

اطلاعیه‌های مسئول شورای ملی مقاومت

به دنبال انتخابات فلابی مجلس خمینی کسسه مقاومت ایران پیشاپیش آن را تحریم کرده بود و در پی سلسله تظاهرات اعتراضی و کشتارهایی که در شهرهای مختلف ایران به دستور خمینی صورت گرفت، خمینی امروز به لغو تظاهرات موهومی که گویا قرار بوده در بیعت با او انجام بگیرد، مبادرت ورزید. خمینی بر آن بود تا با این مانور تشدید بحرانهای درونی رژیمش را برده پوشی نموده و مخالفتی را که در پی ضربات ارتش آزادیبخش ملی ایران و به دنبال شکست فاو و انزوی بیسن - المللی رژیم و منابع فضاختیار انتخابات فلابی حتی در درون رژیمش فرصت بروز یافته بود خاموش سازد. اذعان آشکار شخص خمینی بر وجود چند دستگی در داخل رژیمش در روز عید نظر، اشاره رفسنجانی به تظاهرات و تخلفات انتخاباتی در نمایش جمعه گذشته و این که جناحی ناپستی در فکر انهدام یکدیگر بوده و باید به مملکت کل نظام بیاندهند، میبسن نیازمندی شدید این رژیم به نمایش حمایت موهومی است که خمینی امروز لغو تظاهرات مربوط به آنرا اعلام کرد. به این ترتیب در شرایطی که خمینی از هر سو با شکستها و بحرانهای مختلف مواجه میشود ناگزیر به تصفیه دسته جدیدی در درون رژیمش اقدام می‌کند تا شاید صهار مجلس و دیگر ارگانهای حکومت از دست نرود. دور و تسلسلی که باپانی جز سرنگونی نام و تمام این رژیم نامشروع نخواهد داشت. با این تفاوت که هر بار دعوی درونی گرگها با شدت وحدت بیشتر تجمید میشود.

از سوی مقاومت عادلانه مردم ایران برای صلح و آزادی و از سوی ارتش آزادیبخش ملی یکبار دیگر تصریح میکنم:

- ۱- رژیم درمانده خمینی که تنها با جنگ و سرکوب به حیات خود ادامه میدهد فاقد هرگونه مشروعیت مردمی است و در تمامیت خود سرنگون خواهد گردید.
- ۲- قدرت سبج نیرو و ذخایر مادی این رژیم با شتاب رو به اتمام است و خبر از روند فروپاشی محتمل آن میدهد.
- ۳- انزوی منطقی و بین المللی رژیم خمینی حاکی از بی آیندگی رژیم است که جنگ و مسدود تروریسم سیاست رسماً اعلام شده خارجی آن میباشد.
- ۴- ارتش آزادیبخش ملی ایران به عنوان ارتش صلح و آزادی و تنها ارتش ملی و میهنی مردم ایران بر آن است تا طومار دشمن تمام مردم ایران (رژیم خمینی) را در هم بیچیده و استقرار تنها جانشین دموکراتیک برای رژیم ضد انسانی خمینی - یعنی شورای ملی مقاومت ایران و دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی ایران - را محقق سازد.

مسعود رجوی
مسئول شورای ملی مقاومت
۶۷/۲/۲

پیروزی ارتش آزادیبخش ملی ایران... از صفحه ۱
باد آبان گرامی باد. پیروزی شکر، رزمندگان دلیر ارتش آزادیبخش ملی ایران را به زنان و مردان این ارتش افتخار آفرین شادباش می‌گوئیم. بمناسبت این پیروزی بزرگ، پیام تبریکی توسط نماینده و سخنگوی سازمان ما برای فرمانده کل ارتش آزادیبخش ملی ایران ارسال شده است.

انتصاب رفسنجانی به عنوان جانشین فرمانده کل قوا، آخرین تلاش نوسیدانه‌ی خمینی برای جان بسفر بردن از بن بستهای نظامی و سیاسی در حالی که هنوز یکماه از تغییر رئیس ستاد ارتش خمینی نگذشته است و در شرایطی کسسه شکستهای پی در پی نظامی، بحرانهای حاد سیاسی و اجتماعی و انزوی گسترش یابنده بین المللی همزمان با اوج گیری مقاومت عمومی و عملیات ارتش آزادیبخش ملی سرپای رژیم خمینی را به لـسـرزه در آورده و محاصرات درونی آن را قویا تشدید کرده است. خمینی امروز با انتصاب رفسنجانی به عنوان جانشین فرمانده کل قوا و متمرکز نمودن کلیه امور نظامی و سیاسی و امنیتی و تبلیغاتی و اقتصادی و صنعتی در دست او ناگزیر آخرین برگه نوسیدانه خود برای سرپا نگه داشتن رژیمش را بازی کرده. به این ترتیب کار کنار گذاشتن سایر جناحهای درونی رژیم که از این پیش تر در انتخابات فلابی مجلس دست نشانده خمینی محقق شده بود با پس زدن خامنه‌ای که تا امروز اسما رشن شورابعالی دفاع خمینی بود، تکمیل گردید و رژیم خمینی از این پس با تمرکز کامل قوای مقننه و اجراییه و قضائیه در خدمت جنگ (که اطلاعاتی خمینی بر آن تصریح می‌کند) و تمرکز کامل ارتش و سپاه و سایر نیروهای جنگ افروز و سرکوبگر رژیم تحت نظر رفسنجانی وارد یک مرحله انفجاری گردید که به تجزیه و تلاشی کامل آن راه خواهد برد. به عبارتی دیگر رژیمی که در ادامه دور بی پایان حذف و تصفیه‌های پرتوتش ناگزیر از یک چنین به هم فشردگی و تمرکز تام و تمام سیاسی و نظامی گردیده به نحو اجتناب ناپذیر به آخرین مرحله انفجاری خود قدم گذاشته است. به همین دلیل خمینی با پیش بینی عکس العملهای انفجاری مختلف در اعلامیه امروز خود چماق "دادگاه نظامی زمان جنگ" و "تنبیه مختلف در هر رده" را بلند کرده تا شاید با تهدید به قهر و سرکوب بیشتر از شدت و حدت عکس العملها بکاهد.

اما در ماندگی این رژیم نامشروع و عمیق و گستردگی بحرانهایی که با آن مواجه است به حدی است که این تلاشهای مذبحخانه و نوسیدانه نه فقط راه به جایی نخواهد برد، بلکه قویا بر وخامت اوضاع سی‌افزاید. هم چنان که رژیم شاه در آخرین مراحل حیات خود از دولت نظامی ازهارای و از حکومت نظامی و از دادگاههای نظامی سودی نبرد مطمئناً خمینی نیز از تمرکز قوای جنگ افروز و سرکوبگر رژیمش و از دولت جنگی رفسنجانی و از دادگاههای نظامی یقیناً به جایی راه نخواهد برد و نمی‌تواند از سرپوشش محتوم رژیم ضد بشریش، که سرنگونی نام و تمام است، بگریزد.

آرایش جدید رژیم خمینی و تمرکز جنگ افروزانه و سرکوبگرانه که امروز با انتصاب رفسنجانی به عنوان جانشین فرمانده کل قوا محقق شد و حاصل چاره جوشها و جلسات طولانی سران رژیم در روزهای اخیر در مقر خمینی می‌باشد یکبار دیگر صحت این نقطه نظر مقاومت عادلانه مردم ایران برای صلح

و آزادی را به اثبات رساند که تا رژیم خمینی هست جنگ و سرکوب و تروریسم نیز ادامه دارد و خمینی جز در شرایط استیصال مطلق (که باز هم به سرنگونی او منجر میشود) به صلح تن نخواهد داد. پس بر اساس خصایص ذاتی این رژیم قرون وسطایی تمامیه ساده اندیشهای مربوط به امکان پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت ملل متحد از سوی این رژیم و یا احتمالات ناظر بر "میانه رو" شدن آن یکبار دیگر با اطلاعاتی امروز خمینی مهر بطلان می‌خورد. و هم چنین "میانه رو" جلوه دادن رفسنجانی این مهره دست آموز خمینی که تا کنون نیز در راس کلسه امور جنگ و سرکوب و صدور تروریسم بود بسیار سخیف می‌نماید. نقشی که خمینی خود برای دامن زدن به پاره‌ی توهنات بین المللی برای رفسنجانی در نظر گرفته بود و اکنون مجبور می‌شود تا با انتصاب رسمی رفسنجانی به عنوان بالاترین مسئول جنگ و سرکوب به آن خاتمه بدهد.

از سوی شورای ملی مقاومت ایران و از سوی ارتش آزادیبخش ملی یکبار دیگر به ضرورت تحریم تبلیغاتی و نفتی رژیم دیکتاتوری و مذهبی خمینی که به آخرین مراحل عمر خود وارد شده و همچون رژیم شاه محکوم به سرنگونی است تاکید می‌کنم.

مسعود رجوی
مسئول شورای ملی مقاومت
۱۲ خرداد ۶۷



مسائل نیکاراگوئه

اجتماعی شان با منافع اصولی انقلاب مطابقت کنند حمایت می‌کنیم. یعنی آنانکه در جهت منافع خلیج حرکت کنند ما روابط بسیار خوبی با کلیه مورادیش و پروتستان داریم و تا کنون از همه نظر به ایشان کمک کرده‌ایم بطوریکه بتوانند برنامه‌های درونی شان را تا به آخر به پیش ببرند. فلسفه ما این است که هر فعالیت کلیسایی را در جهت منافع خلق پشتیبانی کنیم.

س: آیا مسائل سیاسی یکی از عوامل پیدایش شکاف در داخل کلیسای کاتولیک نبود؟

ج: انقلاب به سبب پیدایش این شکاف درونی نبود، بلکه این شکاف از قبل وجود داشت. اولین کشیشهای اخراجی از نیکاراگوئه نه از طرف دولت بلکه از طرف کلیسای خودشان اخراج شدند.

س: آیا دیدار پاپ تغییر مواضع افراد مشخصی را نسبت به انقلاب در بر نداشت؟

ج: پاسخ را باید از بلد تحقیق اجتماعی دریافت کرد که ما تا کنون انجام نداده‌ایم. اما ما در مجموع تغییر بزرگی مشاهده کرده‌ایم، گر چه امکان هم هست که عده‌ای دیدگاهشان عوض شده باشد، چه به نفع پاپ و چه بر عکس.

ادامه دارد

زیر نویس:
۱- پاپ در ۴ مارس ۱۹۸۲ از نیکاراگوئه دیدار کرد.
۲- بزرگترین روزنامه بوسیه نیکاراگوئه و ارگسان اپوزیسیون راست، درسال ۱۹۸۶ وقتی که ناشر این روزنامه علناً رضایت خود را از اعطای کمک ۱۰۰ میلیون دلاری به ضد انقلابیون اعلام کرد، این روزنامه برای مدت نامشخص تعطیل شد.
۳- ارگان رسمی جنبه آزادیبخش ملی ساندهینستی
۴- روزنامه بومیه طرفدار انقلاب که توسط همکاران سابق "لاپرتما" تاسیس شده.

شنبه خونین تهران که طی آن تظاهرات مسالمت آمیز مردم بخون کشیده شد و دهها تن کشته و صدها نفر زخمی شدند، نقطه تحولی تازه در مسیری محسوب میشود که اکنون در سراسر جامعه تکامل می یابد.

نشریه کار شماره ۱۱۶ - ۱۱۶ اکتبر ۱۳۶۰

روز شنبه ۳۰ خرداد سال ۱۳۶۰، صدها هزار نفر از مردم آگاه و مبارز تهران، طی یک تظاهرات عظیم که بوسیله سازمان مجاهدین خلق ایران تدارک دیده شده بود، با فریاد " سرنگ بر ارتجاع، زنده بآباد آزادی" خشم و نفرت خود را از رژیم ارتجاعی و قرون وسطایی جمهوری اسلامی اعلام نمودند. این تظاهرات که پس از تحولات درون حاکمیت و حذف اولین رئیس جمهور خمینی صورت گرفت، بوسیله مزدور ان سرکوبگر خمینی بخون کشیده شد. این تظاهرات نقطه اوج مبارزات مسالمت آمیز مردم ایران برای دموکراسی و آزادی بود. خمینی که بخوبی از گسترش نفوذ نیروهای انقلابی در میان مردم با خیر نبود و می دانست که توده های مردم سرعت از رژیم او جدا شده و بسمت انقلاب جذب میشوند، دستور سرکوب این تظاهرات را صادر نمود و بدین ترتیب جنبش انقلابی ایران وارد مرحله جدیدی شد که مهمترین مشخصه آن تبدیل شکل اصلی مبارزه از شکل مبارزات خیابانی به مبارزه مسلحانه بود. گرچه روز ۳۰ خرداد بطور مستقل و بدون مبارزات مسلحانه بعدی نیز از اهمیت فوق العاده برخوردار است، اما آنچه به این روز یک نقش ویژه می دهد و آنرا به یک نقطه عطف در سیر صعودی جنبش تبدیل کرده است، مبارزه قهرمانانه و سراسر خونین رزمندگان دلیسر مقاومت انقلابی مسلحانه است که نگذاشت خمینی به آرزوهای پلیدش برای به رکود و سکون کشاندن جنبش انقلابی مردم ایران برسد. در تاریخ جنبش انقلابی مردم ایران روزهایی وجود دارد که دارای اهمیت بسیار است، اما در بسیاری از این روزها نیروهای سیاسی که نقش مهم و تعیین کننده می توانستند در جنبش ترغیب خواهانه مردم، بسازی کنند، دچار انفعال و تسلیم شدند و بدینوسیله جنبش را به سیر نزولی سوق دادند. برای مثال روز ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲، بعلمت خیانت، تسلیم انفعال و اپورتونیسم بیکران رهبران خائن حزب توده جنبش انقلابی مردم ایران به یک شکست استراتژیک دچار شد. اما رهبری سازمان مجاهدین با آگاهی به نقشی که در شرایط پس از قیام بهمین برای مجاهدین خلق بوجود آمده بود، و با درس آموزی از تاریخ پر فراز و نشیب جنبش ضد امپریالیستی - دموکراتیک مردم ایران، سیاست انقلابی مقاومت را پیش گرفت و بدین ترتیب با بکارگیری دستاوردهای مثبت و منفی جنبش انقلابی ایران و با اتخاذ خط مشی انقلابی مبارزه مسلحانه، جنبش انقلابی مردم ایران بجای اینکه بوسیله سرکوبهای خونین و دارودسته مزدور به رکود کشیده شود، به سیر رشد یابنده خود در شکل مبارزه مسلحانه انقلابی ادامه داد. و مبارزه مسلحانه انقلابی در جهت سرنگونی رژیم خمینی به آنچنان نیرویی تبدیل شد که در قطب بندی بسیم مقاومت و ارتجاع، تمامی تحولات سیاسی و مبارزات پراکنده را تحت الشعاع خود قرار داد. بسیاری از

جریانات به اصطلاح لیبرال که تا آن موقع ادعای " مبارز " بودن داشتند، در جریان رشد و گسترش مبارزه مسلحانه، به حاشیه جنبش پرتاب شدند. جریانات اپورتونیست مدعی مارکسیسم که همواره بعلمت ماهیت اپورتونیستی و سازشکاری خود نمی توانند در لحظات حساس جنبش انقلابی، در مسیر جنبش نقش انقلابی ایفا کنند، یا دچار انفعال شدند یا دچار تفرقه و پراکندگی و با بکلی از صحنه مبارزه سیاسی حذف شده و به محافل خارج کشوری تبدیل شدند. تنها جریاناتی که در جهت گسترش مبارزه مسلحانه اقدام نمودند و با از این مبارزه با تمام قدرت حمایت کردند، توانستند در دوران طوفانی کنونی، موقعیت رشد یابنده خود را حفظ کنند و بدین ترتیب یکبار دیگر نیز ثابت شد که در جریان پیشرفت انقلابی، تنها کسانی می توانند خود

وجود دارد را یکی پس از دیگری کنار میزند. اکنون مقاومت انقلابی به آنچنان نیرویی تبدیل شده که تمامی جریانات اجتماعی داخلی و بین المللی که بنحوی با مسائل جامعه ایران برخورد دارند، باید آنرا بحساب آورند. سیاست " خنثی سازی" و " بیطرف سازی" نسبت به این مقاومت تا کنون کارساز نبوده و به تدریج کسانیکه می خواستند، در مقابل تضاد مقاومت و ارتجاع سیاست " بیطرفی"، یا " میان بازی" و یا " خنثی سازی" پیشه کنند، بسمت جذب یکی از دو قطب میل میکنند. تعداد اینگونه جریانات، محاسبات و اشخاص روز بروز کاهش می یابد. بعضی خبرها حاکی از آنست که پس از قطع روابط عربستان سعودی با رژیم خمینی، بعضی از میان بازان ضد انقلابی فرسود برآمده اند تا با کمک عوامل ارتجاع

۳. خرداد، نقطه عطفی در جنبش رهائی بخش مردم ایران

را هماهنگ با رشد جنبش انقلابی کنند که ضمن داشتن پرشورترین احساسات و شور انقلابی، دارای تئوری انقلابی منطبق با شرایط عینی جامعه باشند. تئوری که نه در جهت "تعبیر" حوادث، بلکه در جهت "تغییر" اوضاع جهت گیری می نماید و بوسیله واقعیت های عینی نه فقط زده نمیشود، بلکه جذب شده و به " نیروی حادی" که می تواند نیروی اهریمنی ارتجاع را درهم شکنند تبدیل میشود.

۳۰ خرداد و تحولات بعد از آن یکبار دیگر نشان داد که با قهر ارتجاعی تنها میتوان با قهر انقلابی مقابله نمود، گرچه اتخاذ خط مشی مبارزه مسلحانه، منجر به از دست دادن چیزهایی می گردد، و گرچه به شهادت تعدادی از برجسته ترین فرزندان مردم میهن ما منجر میشود، اما عدم اتخاذ چنین خط مشی و روشی، آنچنان شرایطی را بر میهن ما و جنبش انقلابی آن حاکم می کند که خسارت های آن هزاران بار بیشتر از خسارت های شرایط انقلابی است.

سالگرد جنبش ۳۰ خرداد را در شرایطی گرامی می داریم که رژیم خمینی در اوج بحران ها و بن بست - هایش قرار دارد. شکست های رژیم در جبهه های فاسد و شلجه، فقدان نیروی لازم برای دست زدن به حمله از طرف رژیم خمینی، نشنت و پراکندگی در جبهه ها، گسترش و اوج گیری تظاهرات درونی رژیم شکست نمایش انتخاباتی رژیم و متحرک شدن هر چه بیشتر رژیم با حذف جناحهای درونی رژیم، ابزولت شدن هر چه بیشتر رژیم در سطح بین المللی و منطقه ای و ناتوانی و تسلیم زبونانه رژیم در مقابل عملیات نظامی آمریکا در خلیج فارس و ... از جمله مهمترین مسائلی است که نشان دهنده بحران ها و بن بست های رژیم خمینی است. در مقابل مردم ایران از این رژیم بشدت ناراضی و هر موقع که بتوانند تفرق و انزجار خود را از رژیم نشان می دهند. مقاومت انقلابی مسلحانه نیز با رشد چشمگیر خود بمشابه نیروی اصلی در مقابل رژیم خمینی، همچنان پیش می رود و تمامی موانعی که در مقابل رشد آن

جهانی و استعمار بین المللی، یکبار دیگر برچشم " جبهه گسترده" را بلند کرده و بدین ترتیب این بار " جبهه" فرم، سازش را در لباس دیگر علم کنند تا به نان و نواهی برسند. تجربه نشان خواهد داد که این توطئه علیه جنبش انقلابی نیز به بسیم مقاومت دوران ساز و انقلابی مردم ایران و رنج و خون رزمندگان دلیر مقاومت انقلابی شکست خواهد خورد. و مقاومت سراپا خونین و سوافراز مردم ایران، برچشم صلح و آزادی را بر ویرانه های جامعه خمینی زده، جنگ زده و اختناق زده ایران برافراشته خواهند نمود دوران انقلابی سرعت جنبش را بسمت تمییز - تکلیف پیش می برد. انقلاب در مسیر توفنده خود به زنان و مردان سربلند و با ایمانی احتیاج دارد که این راه پر شکوه را طی نمایند.

۳۰ خرداد در ابعاد عظیم تری تکرار خواهد شد و رژیم ارتجاعی خمینی، این زباله دان تاریخ ایران را به گور خواهد سپرد. ما در سالگرد ۳۰ خرداد بار دیگر خاطره شهادت قهرمان مقاومت انقلابی راگرامی می داریم و به زندانیان سیاسی ایران درود می فرستیم؛ ما به مقاومت انقلابی خانواده های شهدا و اسرای ایران ارج می نهیم و به رزمندگان دلیر مقاومت انقلابی مردم ایران درود می فرستیم. ایمان داریم که این مقاومت دوران ساز، قلل پر شکوه صلح و آزادی استقلال و عدالت اجتماعی را فتح خواهد نمود، راه را برای مبارزه کارگران و زحمتکشان در جهت صلح و سوسیالیسم هموار خواهد نمود.

تصحیح و بوزش:
در شماره ۲۷ بورد خلق چند غلط چاپی وجود داشت که بدین وسیله ضمن بوزش از خوانندگان بورد خلق تمحیح میشود.
۱- در ستون برخی از رویدادهای تاریخی تشکیل نخستین تشکل کمونیستی بنام اتحادیه کمونیست ها بوسیله مارکس و انگلس اشتباه ۱۹۲۷ چاپ شده که درست آن ۱۸۴۷ است.
۲- در صفحه ۱۱ در ستون کمک های مالی نام خانم نازلی اشتباه نازی چاپ شده است.

اخبار و رویدادها....

از صفحه ۱۲

تنزل درآمدهای ارزی رژیم

مرتضی الویری در مجلس ارتجاع در روز ۱۲ خرداد اسامی اعلام نمود که "درآمد ارزی ۲۹ میلیارد دلاری سال ۵۶ به کمتر از ۱۰ میلیارد دلار تنزل پیدا کرده است." (کمپان ۶۷/۳/۱۲)

اعدام زندانیان سیاسی

رژیم خمینی همچنان به سرکوب و شکنجه زندانیان سیاسی ادامه می‌دهد. رژیم علاوه بر اعدام خقیانه تعداد زیادی از زندانیان سیاسی، هر از چند گاه اسامی چند نفر از اعدایها را بصورت علنی در روزنامه‌های وابسته بخود اعلام می‌نماید. نمونه زیر یکی از مواردی است که در روزنامه کمپان رژیم‌پناریخ ۶۷/۳/۷ منعکس گشته است. لازم به توضیح است که سازمان عفو بین الملل طی اعلامیه‌ای این اعدایها را محکوم نموده است.

کنفرانس سران کشورهای عرب

کنفرانس سران کشورهای عرب، روز ۱۹ ژوئن (۱۹ خرداد) اسامی، با صدور يك قطعنامه به کار خود پایان داد. در قطعنامه پایانی کنفرانس، از قیام سومم فلسطین در کرانه باختری رود اردن و نوار غزه تحلیل و از این مبارزه انقلابی حمایت کامل بعمل آمده است و نیز تعهداتی در رابطه با این قیام پذیرفته شده است. در قطعنامه پایانی، سران کشورهای عرب خواستار صلح در جنگ ایران و عراق گشته و رژیم خمینی را بخاطر نپذیرفتن آتش بس محکوم نموده و حرکات تروریستی این رژیم علیه حکومت‌های عربی را محکوم نموده‌اند. يك روز بعد، رئیس جمهور جناب‌تکابری خمینی، در نماز جمعه تهران به سران کشورهای عربی بخاطر صدور این قطعنامه حمله نمود. وی با وقاحت تمام اعلام نمود که "تصمیم گیرهای این کنفرانس حقیقا ننگه‌نمای عرب است."

رشد سرسام آور تورم در رژیم خمینی

طراحان اقتصادی دولت خمینی از اینکه بسا تعزیرات حکومتی و انواع فشارها نمیتوانند جلوی رشد تورم را بگیرند، هر روزه به نوعی جناح رقیب را مورد شتمت قرار می‌دهند. تجار "محترم" که از برکت جنگ، شد میهنی خمینی میلیاردها سود بیه چیب زده‌اند، اکنون دیگر گوششان به نصایح طراحان اقتصادی رژیم هم بدهکار نیست و همچنان به غارت مردم مشغول هستند. سندی میزبان معاون اجرائی مسوی و رئیس کمیسیون مرکزی نظارت بر قیمت ها و کنترل تورم در پاسخ به خبرنگاران پیرامون رشد تورم به رشد نقدینگی بخش خصوصی اشاره نمود و گفت "اخیرا متأسفانه بخش خصوصی با ایمن نقدینگی عظیم در حال متشکل شدن هستند و به شکل کانونها و بنیادهای اقتصادی شکل می‌یابند تا در جهت مخالف سیاست های پولی و اعتباری دولست حرکت های توریسی انجام دهند" (کمپان ۶۷/۳/۱۴)

همچنین علی موسی رفا، معاون برنامه ریزی و خدمات اعتباری و معاون محتمس در کمیسیون مرکزی نظارت بر کنترل قیمت ها از اینکه تجار بازار بخش خصوصی از تورم را در اختیار دارند به شکوه و شکایت پرداخته و گفته است که "پانزده در صد از جامعه نقدینگی براساس ۱۰ میلیارد تومان در دست دارند" (کمپان ۶۷/۳/۱۹)

رو و نسبت به "انفجار نقدینگی" بخش خصوصی هشدار داد.

علی اکبر محتشمی، وزیر جناب‌تکابری خمینی طی يلد کنفرانس مطبوعاتی اعلام نمود که خمینی قطعنامه ۵۹۸ را اساسا قبول ندارد. وی گفت "حرکت سیاسی برای جابجایی بندهای قطعنامه و تعیین متجاوز از جانب شورای امنیت نمیتواند نظر اسام و انقلاب را تا مین نماید، زیرا بدینست که شورای امنیت حکم بر متجاوز بودن عراق نخواهد داد" (کمپان رژیم ۶۷/۳/۱۴)

حکومت مجدد رژیم خمینی در سازمان ملل متحد

کمیسیون اجتماعی سازمان ملل متحد در آخرین اجلاس خود در تاریخ ۲ خرداد جاری، پس از بررسی قطعنامه حکومت رژیم خمینی بدلیل نقض شدید و مستمر حقوق بشر مورخه ۲۰ اسفند ماه ۶۶ که از طرف کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل تصویب شده بود، آنرا با اکثریت آراء به تصویب رسانید. لازم به یادآوری است که رژیم ضد بشری خمینی مدت هفت سال است که بطور پیاپی در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد بخاطر نقض حقوق بشر محکوم می‌گردد.

در این قطعنامه، نقض حقوق بشر، نقض آزادی و امنیت فردی و مصونیت از دستگیری بازداشت خودسرانه، نقض حق معاکسه عادلانه، نقض حق آزادی افکار، عقاید و مذهب و آزادی بیان و نقض حق اقلیت های مذهبی برای تبلیغ یا انجام فرامین مذهبی شان توسط رژیم تاکید شده است. کمیسیون اقتصادی - اجتماعی سازمان ملل متحد نیز بدنبال این در مورخه ۶ خرداد جاری این قطعنامه را تصویب نمود و بار دیگر رژیم در انظار جهانیان با چهره واقعی اش افشاء گردید.

تظاهرات و راهپیمایی بر علیه رژیم خمینی

همزمان با اوج گیری تظاهرات درونی جناحها و باندهای مختلف رژیم، مردم ایران در تعدادی از شهرها با برگزاری تظاهرات و راهپیمایی ها و درگیری با پاسداران مزدور رژیم مخالفت خود را با رژیم اعلام داشتند.

در اصفهان در روز ۲۰ اردیبهشت ماه در محله زینبیه عده زیادی از مردم شهر تظاهراتی را برپا انداختند که تا چند روز ادامه داشت. مردم این شهر در اعتراض به ادامه جنگ دست به راهپیمایی زدند که منجر به درگیری آنها با پاسداران خمینی گردید. مردم با دادن شعارهای "مرگ بر خمینی" و در حمایت از صلح و برقراری آزادی نفرت روزافزون خود را از خمینی و امعان و انمارش به نمایش گذاشتند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه در روز ۱۹ اردیبهشت ماه تعداد زیادی از شهرهای بزرگ ایران از جمله مشهد، اصفهان تظاهراتی صورت گرفته که در آن تعداد زیادی کشته شده‌اند. مردم اصفهان در این روز در مقابل مقر دادستانی دست به تظاهرات زدند که در جریان سرکوب آن ۳ تن اعدام و ۲ تن کشته شدند ولی علیرغم این سرکوب تظاهرات در طی این هفته ادامه داشته است. در این تظاهرات مردم شعارهایی بر علیه خمینی و طاهری امین جمعه اصفهان شنیده خمینی در این ایستار سر دادند. این تظاهرات زمانی آغاز گردید که آخوندی بنام احمدی که امام جمعه خمینی شهر می‌باشد در سخنرانی خود با جمله به خمینی و محتشمی وزیر کشور در رابطه با انتخابات توسط پاسداران دستگیر گردید. تعدادی از هواداران دستگیر و کشته شدند. به گزارش این خبرگزاری در مشهد و تبریز نیز در جریان انتخابات درگیریهایی روی داده است.

شکست رفقای هوادار سازمان در تظاهرات همبستگی با انقلاب فلسطین

همانست بست و یکمین سالگرد اشغال کرانه غری رود اردن و برای همبستگی با انقلاب فلسطین در ۳ ژوئن (۱۴ خرداد) اسامی تظاهرات بزرگی در نیویورک برگزار شد. در این تظاهرات که نمایندگان انقلاب فلسطین، دکتره ملی افریقا و نیز بسیاری از نیروهای ترفیخواه آمریکایی سخنرانی کردند، رفقای سازمان ما نیز با شرکت فعال در این تظاهرات و بخش اعلامیه با حشش قهرمانانه خلق فلسطین اظهار همبستگی نمودند. در اعلامیه‌ای که توسط رفقای ما بخش گردید، سیاست جنگ طلبانه رژیم خمینی و منافعی که صهیونیستها از جنگ ایران و عراق می‌برند اشاء گردیده بود که مورد توجه و استقبال شرکت کنندگان در تظاهرات قرار گرفت.

لاریجانی معاون وزارت خارجه رژیم طی بيك صحابه مطبوعاتی در مجارستان بر گسترش مناسبات با غرب تاکید نمود. این مزدور جناب‌تکابری در این رابطه می‌گوید: "ما استراتژی جدیدی در روابط خودمان با غرب را آغاز کرده‌ایم که شامل نزدیک شدن، توسعه و تعمیق روابط می‌باشد." (کمپان ۶۷/۳/۳۱)

وی سپس در مورد چشم انداز این روابط می‌گوید: "من آینده را در جهت توسعه و تعمیق روابط ایران با کل کشورهای جامعه مشترک اروپایی می‌بینم" (هشاجا) لازم به تذکر است که رژیم علیرغم تسوی و تشرای "ضد امپریالیستی" کوشیده است که روابط خود را با غرب گسترش دهد. جالب توجه است که لاریجانی نیز از عناصر وابسته به جناح غالب و از فعالین یانده رفسنجانی است.

چهارمین دیدار سران شوروی و آمریکا در مسکو

روز ۸ خرداد اسام (۲۹ مه) رونالد ریگان که برای انجام چهارمین دیدار خود با میخائیل گورباچف وارد مسکو شده مورد استقبال رئیس جمهوری اتحاد شوروی قرار گرفت. ریگان و گورباچف طی چند روز دیدارها و گفتگوهای متعددی انجام دادند. در روز ۱۰ خرداد مسائل منطقه‌ای و منجمله جنگ ایران و عراق مورد گفتگو قرار گرفت.

در روز ۱۱ خرداد، آخرین دیدار رهبران دو کشور انجام گرفت و اسناد مربوط به حذف موشکهای اتمی تدوین رسیده بود. میادله شد در بنیانه پایانی طرفین تاکید کردند که برای کمک به جناحهای فیذفع در مناقشات منطقه‌ای جهت یافتن راه حل سیاسی مسالمت آمیز که استقلال، آزادی و امنیت آنها را تضمین کند، به مذاکرات منطقه‌ای خود در تمامی سطوح ادامه خواهند داد. سران دو کشور، مسائل مطرح شده در چهارمین دیدار خود را موردنظر ارزیابی کردند.

کمپان
شبه ۷ خرداد ۱۳۷۷

بر اساس احکام صادره از سوی دادگاه انقلاب

۳ عضو

گروه‌های تروریستی دیروز اعدام شدند

تهران: خبرگزاری جمهوری اسلامی

به موجب حکم صادره از سوی دادگاه انقلاب اسلامی تهران سه تراز خمینی‌نوا به گروه های تروریستی به اعدام محکوم شدند که حکم صادره بخاطر طهر دیروز در محل زندان اوین به مرحله اجراء درآمد.

اسامی و اتهامات متهمان از روابط عمومی دادستان انقلاب اعلام شد. این شرح اعلام شد:

- ۱- انوشیروان لغنی‌نژاد سراله به اتهام
- ۲- عضویت در کمیته مرکزی گروهک‌ساز و مبارز به استیلاچ چریک های فدایی خلق شاخه اکثریت
- ۳- عضویت سازماندهی و رهبری کل تشکیلات و عضو حیات اجرائی دبیران
- ۴- عضویت جذب نیرو و پالاس بردهای ملیجومی اینان به حزب ضلع توده.
- ۵- عضویت تشکیلات نفوذی در ادارات دولتی و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در راستای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران.
- ۶- رهبری کلیه حرکت های ضد انقلابی در جریانات انقلاب مردمی در دانشگاه سنجلیون چیه.
- ۷- عضویت در ارتجاع و نیروهای گروهک زبور
- ۸- عضویت در تولید سلاح های نارت برده از بنیادان
- ۹- یکی از اعضاء گروه
- ۱۰- شرکت مثانه در کتبه تصمیم گیری های این گروهک جنایتکار در جهت حرکت های معاهده کتبه حیرات خونین کردستان.
- ۱۱- صاحب محموله فرزند پانلها نامی در ستار هندی و امیر به اتهام

خمینی غربیتی در گرداب بحران

از نسخه ۱

"تجار محترم" هستند، بود، خمینی در تاریخ ۶۶/۴/۱۰ به دبیرخانه مرکزی ائمه جمعه اعلام نمود که "ائمه جمعه از معرفی و موضع‌گیری له یا علیه کاندیداها و استفتاء انتخاباتی از تریبون نماز جمعه منع شدند". این فتاواها، به اقدامات وزیر کشور، میدان بیشتری می‌داد. رادبو رژیم در تاریخ ۶۶/۴/۲۲ اعلام نمود که "۱۱۹ تن از نمایندگان مجلس طی نامه‌ای به خمینی از خدمات و فعالیت‌های وزیر کشور تقدیر و تشکر کردند".

تعداد اعضاء کنندگان این نامه، نشان می‌دهد که وضع در مجلس رضایت‌بخش نیست؛ وقتی فتاوا و اطلاعات و آشنی‌نامه کار ساز نباشد، چنانچه حزب الله، به میدان می‌آید. روزنامه کیهان در تاریخ ۱۶ تیر ۶۶ از قول یکی از جنایت‌کارترین آخوند‌های رژیم بنام فلاحیان اعلام می‌دارد که "دادگاه ویژه روحانیت در تهران، قم، اصفهان، تبریز، مشهد و شیراز تشکیل می‌شود". اما اوضاع بحرانی‌تر از آنست که اینگونه اقدامات سرکوبگرانه بتواند کاری از پیش ببرد. خمینی وضعیت رژیم را به نحو بسیار روشنی در ملاقات با ائمه جمعه در روز هفتم شهریور ۶۶ باین شکل بیان نمود.

"شما آقایان توجه دارید و من نباید عرض کنم که ما امروز گرفتار هستیم، به چه گرفتارهایی، تمام تبلیغات بر ضد ما است. تمام دنیا بر ضد اسلام قیام کرده‌اند". (کیهان رژیم ۶۶/۶/۸) این گفته‌های خمینی اندکی پس از صدور قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت است که در تاریخ ۲۹ تیر ۶۶ صادر شد. در آن شرایط خمینی در فکر ایجاد یک سروصدای جدید برای حل مسائل داخلی است و گسترش جنگ می‌باشد. در تاریخ ۶۶/۸/۲۱، شورای عالی پشتیبانی جنگ طی نامه‌ای به خمینی خواستار "اوامر و ارشادات عالی" خمینی در مورد تعیین "پده و عده" برای جنگ می‌شود. خمینی در جواب شورای عالی پشتیبانی جنگ را برای هر اقدامی مختار می‌نماید. سپس این شورا بسند دستور العمل‌ده ماده‌ای صادر می‌نماید. این دستور العمل برای حل مسأله نیرو و مسائل تدارکاتی رژیم صادر می‌شود. حوادث بعدی نشان داد که از این "نقد" هم "کلاهی" برای رژیم ساخته نشد. شاید رفسنجانی بهتر از هر کس می‌دانست که این ترفند رژیم هم شکست خواهد خورد. زیرا در تاریخ ۶۶/۹/۶ اعلام نمود که "ما این را بسیج عمومی نمی‌نامیم، بسیج عمومی مرحله بعدی است". از آن تاریخ تا مدتی دستگاه‌های دروغ‌پراکنی خمینی، تبلیغات میان‌تبی در مورد بسیج نیرو و کمک‌های مالی مردم اعلام می‌نمودند. رژیم تحت فشار حوادث متعسدد سیاست تبلیغات میان‌تبی را برگزیده بود و این در حالی بود که حضور نظامی نیروهای خارجی در خلیج فارس افزایش می‌یافت. ما در همان موقع در نبرد خلق نوشتیم "روند اوضاع در خلیج فارس بسمت تشدید تضادها و بحرانی شدن هر چه بیشتر اوضاع پیش می‌رود" (نبرد خلق شماره ۴۱-آبانماه ۶۶) حوادث بعدی صحت نظرات ما را در این مورد

از یکسال گذشته تا کنون تضادهای زیر هر روز شدت و حدت بیشتری یافته و "نیروهای اجتماعی" را در مجموع به نقطه "تعیین تکلیف" نزدیک کرده است.

الف - تضاد بین توده‌های مردم و حاکمیت مطلقه خمینی که در دو وجه مبارزه و مقاومت روزمره مردمی و مبارزه مسلحانه انقلابی خود را نشان می‌دهد.

ب - تضاد باندهای تشکیل دهنده حکومت، که خود را بطور کامل در نمایش انتخابات مجلس ارتجاع نشان داد.

ج - تضاد کلیت رژیم با کشورهای دیگر و منجمله با کشورهای خاورمیانه که خود را در درگیری‌های بین آمریکا و رژیم، قطع رابطه بسیاری از کشورهای منجمله حکومت عربستان سعودی با رژیم نشان داد. مجموعه این تضاد طی یکسال گذشته با چنان سرعتی رشد و گسترش یافت که اکنون در صحنه داخلی رژیم در منتهای انفراد است و برای خمینی همه "اهالی کوفه" شده‌اند و در صحنه منطقه‌ای، تنها متحدی که برای رژیم باقی‌مانده، دولت صهیونیستی اسرائیل است. اما همانطور که گفتیم این وضعیت، طی یک پروسه پدید آمد که بزودی بر رویدادهایی که طی یک سال گذشته اتفاق افتاد و جامعه را بدین نقطه رساند برای "هم" چشم انداز "تحول ضروریست".

خمینی در تاریخ ۶۶/۳/۸، به درخواست رفسنجانی و خامنه‌ای، حزب جمهوری اسلامی را تعطیل نمود. این اقدام به ضرر جناح‌های مخالف دولت و بسود جناح رفسنجانی بود. این اقدام تأیید نمود که ولایت فقیه نه "مانیفست" دارد و نه تشکیل پذیر است. ولایت فقیه تنها مجری می‌خواهد و سر-هر که باشد و در هر لباسی.

روز ۶۶/۳/۱۳، سران رژیم برای حل و فصل تضادهای درونی، جلسه مشترکی تشکیل دادند. از لابلای گفتارها و نوشته‌های بعدی معلوم شد که مهمترین مسائل این جلسات، جنگ، سرکوب مقاومت، روابط بین‌المللی و چگونگی برخورد با تضادهای داخلی بوده است.

در چنین روزهایی موج تمویض مهرهای طرفدار "فقه سنتی" و "تجار" محترم" جریان داشت. محتشمی در تاریخ ۳۰ خرداد ۶۶ اعلام نمود که "هر کسی را که مخالف دولت باشد، بدون رودربایستی کنار می‌گذاریم". (رادبو رژیم ۶۶/۶/۳۰) این موضع یک تیغ‌کشی آشکار "حزب الله" علیه "حزب الله" بود، اما چون کار ساز نبود، جناح غالب در صدد برآمد تا با گرفتن فتوا از خمینی، حریف را محدود کند. در تاریخ ۱۱ تیر ۶۶، چهار تن از نمایندگان مجلس در مورد معرفی کاندیدا برای انتخابات از طرف احزاب و کانونها و گروهها سؤالی از خمینی نمودند و خمینی در جواب اعلام نمود که "هیچ فرد یا گروهی، حق دخالت در حوزه انتخابات دیگران را ندارد". (رادبو رژیم ۶۶/۴/۱۱) این اقدام عملاً به خصلت ملوک‌الطوایفی رژیم معنی و مفهوم بهتری می‌داد. اقدام فیللی، بستن دست ائمه جمعه که عموماً "سپاهدار" یا جیره‌خوار

بازرگان برای اینکه خمینی و رژیم اش را از زیر ضرب خارج کند، به خمینی رهنمود می‌دهد که خود را "فاطی" مسأله قطع جنگ نکند و بگذارد این امر از کاندالهای "مسئول" پیش رود. بازرگان به خمینی می‌نویسد: "اگر برای شخص جناب‌عالی ابتکار و رهبری مستقیم جریان پایان بخشی به جنگ دشوار باشد - که مسلماً هم هست و بزرگترین فداکاری از ناحیه شما می‌باشد - می‌توانید ترتیبی که در موارد دیگر فرموده‌اید، تصمیم‌گیری و مذاکرات را به مقامات و شوراهای قانونی و مسئول واگذار نمایید". در سراسر نامه بازرگان ترس "الهی‌الهی" و رشکست از گسترش مقاومت مردمی علیه رژیم ارتجاعی و روحیه تسلیم‌پذیری و سازشکاری در مقابل ارتجاع نمایان است. اما جناح تجار "محتسوم" در حاکمیت خمینی هم که سران آنان در کمال بسی "احترازی" به مجلس راه داده نشده‌اند، طی مقاله‌ای در ارگان خود، با اشاره به شکست‌های رژیم به شیوه خود خواستار "ادامه" جنگ برای "تعیین تکلیف قطعی" می‌شوند. تجار "محترم" که به اندازه کافی از جنگ سود برده‌اند، حال خواستار "پیروزی" قطعی برای تقسیم "غنایم" می‌شوند. اما در پشت این نعره‌های جنگ‌طلبانه، روحیه شکست و مح‌گیری از "دولت" خود را بنحو احسن نشان می‌دهد. سوز و گداز روزنامه رسالت در مقاله "فانخان فتح الیمین بیا خیزید"، که صریحاً به شکست در غاو و شلمجه اعتراف می‌کند، نشان دهنده عمق بهم‌ریختگی جبهه‌های جنگ خمینی است. در این مقاله و مقاله "پیروزی در جنگ و پیامدهای بازدارنده داخلی" که هر دوی آنان بطور کامل در همین شماره نبرد خلق چاپ شده است، بخصوص به مسائل بی‌برنامگی در حوزه فرماندهی جنگ، بن‌بست بسیج نیرو، فقدان آموزش نظامی نیروها و بهم‌ریختگی و فقدان نظم در جبهه‌ها، بطور روشنی اشاره شده است. اگر درخواست خامنه‌ای به خمینی برای واگذاری مسأله فرماندهی جنگ به رفسنجانی دقت شود، این موارد از مهمترین نکات آن درخواست نامه است. مسائل فرماندهی جبهه‌ها و هماهنگی نیروها در جبهه‌ها بن‌بست بسیج نیرو و جلوگیری از بهم‌ریختگی در جبهه‌ها، از جمله مسائلی است که رژیم بطور روزمره در جبهه‌های جنگ با آن روبروست. این مسائل، بن‌بست استراتژیک جنگ را به شکست‌های تاکتیکی در جبهه‌ها برای رژیم تبدیل کرده و این خود تضادهای درونی رژیم را با سرعت، شدت می‌بخشد. بخصوص در شرایطی که مقاومت انقلابی مسلحانه به سرعت رشد می‌کند، شرایط را برای ادامه حاکمیت به "شیوه سابق" سخت دشوار کرده است. در تمامی غرولندهای جناح‌های درونی حاکمیت و در تمام گله و شکایت‌های میانه‌بازان "داخلی" و خارجه‌نشین، که خواستار نجات کلیت حاکمیت، همراه با گرفتن امتیازات به سود جناح خود هستند، ترس از گسترش جنبش مقاومت مسلحانه و مقاومت روزمره مردمی بچشم می‌خورد. اما این شرایط یکبارہ بوجود نیامد. این وضعیت، محصول رشد و گسترش آن تضادهایی است که شرایط عینی جامعه به نیروهای شرکت‌کننده در مبارزه طبقاتی تحمیل می‌کند.

نشان داد. تشدید تضادهای داخلی رژیم، خمینی را هر چه بیشتر وارد مناقشات باندهای درونی رژیم می‌نمود. شیوه دخالت خمینی در امور به شیوه آخوند و از طریق "فتوا" صورت می‌گرفت. در آذرماه ۶۶ خمینی در چندین مورد دستورالعمل صادر نمود. برای مثال در اختلافی که بین مدیر عامل تلویزیون خمینی (هاشمی از باند رفسنجانی) و یکی از اعضای شورای سرپرستی تلویزیون (آخوند اسماعیل فردوسی پور از باند طبری) وجود داشت، خمینی جانب مدیر عامل را گرفت. آخوند فردوسی پور در نامه به خمینی پای حزب الله و "امت شهید پرور" را به میان آورده بود و گفته بود "شکایاتی از امت شهید پرور می‌رسد که بخت این فیلم‌ها، خلاف شرع مقدس اسلام و مخالف اهداف عالی انقلاب" است و خمینی با قلم خود، پای "حزب الله" و "امت شهید پرور" را برای اینکه از "کلیم خودشان" درازتر گسسته بودند خرد نمود و اعلام نمود که "نظر نمودن به اینگونه فیلم‌ها و نمایشنامه‌ها هیچکدام اشکال شرعی ندارد و بسیاری از آنها آموزنده است." آهنگها اکثرا بی اشکال است.

در این فتوا، خمینی که از عقده‌های دारودسته حزب اللهی‌ها و فانی‌زهای خودش خبر داشت توصیه نمود که به فیلم‌ها "از روی شیوت نگاه نکنند". صدور چنین فتوایی تضادهای درونی رژیم را باز هم شدت می‌داد. خمینی در رابطه با تعویض دولت حکومتی و قانون‌گذار نیز فتوایی صادر نمود که هر يك سبب تشدید تضادهای درون حکومت می‌شد. خاتمه‌ای در رابطه با اختیارات حکومتی در نماز جمعه مطالبی بیان داشته بود که خمینی در تاریخ ۱۶ دیماه ۶۶، با اعلام "ولایت مطلقه فقیه" سبلی محکمی به رئیس جمهوری اش زد. خمینی در این فتوا که با مراجعت و قطعیت بی نظیری صادر شده بود، تمامی "لاف" و "گراف"‌ها بی "اللهی" اش را کنار گذاشت و قبول کرد که هر چه هست در روی "زمین" است و "حکومت" از همه چیز برتر است. وی اعلام نمود که حکومت "به معنای ولایت مطلقه ای که از جانب خدا به نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم واگذار شده" است. ولایت مطلقه فقیه، تضاد بین سوقیت حقیقی خمینی و دستگاہهایی که از نظر حقوقی سیستم جمهوری اسلامی را تشکیل می‌داد را به نفع حاکمیت مطلقه خمینی، حل نمود. این حکم سه‌مترین و در عین حال اشد کننده‌ترین فتوای خمینی طی سالهای حکومت او بود.

روز ۱۹ دیماه ۶۶ رفسنجانی در مجلس ارتجاع به رجز خوانی علیه شورای نگهبان پرداخت و گفت "تقاضا میکنم که نظرات امام را جدی گرفته و نظرات خود و دیگران را مانع اجرای نظرات امام نکنند" و این در حالی بود که امامی کاشانی که از اعضای مهم باند رقیب دولت است در اولین نماز جمعه بعد از صدور این فتوا، اساسا بدان اشاره نکرده بود و تازه از همین صحبت‌های خمینی نیز تفاسیر جدیدی ارائه گردید که جمعی از نمایندگان مجلس "تفاسیر سلیقه‌ای در برابر صلاحیتهای مکتوب حضرت امام را محکوم کردند" (کپهان رژیم ۶۶/۱۰/۱۹). دو روز بعد خاتمه‌ای کاملاً تسلیم شد و طوسی نامه‌ای به خمینی اظهار بندگی و بردگی مجدد نمود.

خمینی غریقی در گرداب بحران

و خمینی در جواب از او دلجویی نموده و اعلام نمود که او را "یکی از بازوهای توانای جمهوری اسلامی می‌دانم" (رادیو رژیم ۶۶/۱۰/۲۱). دلجویی اخیر خمینی، طرفداران خامنه‌ای را از موضع کاملاً انفعالی خارج نمود. گروهی از نمایندگان مجلس طی نامه‌ای به خمینی از دلجویی او در مورد خاتمه‌ای تشکر کرده و از اینکه عده‌ای می‌خواستند با موضوع اول خمینی رئیس جمهوری "مفلوک و عمیل" خمینی را نابود کنند، آه و ناله سردانند. طرفداران خامنه‌ای به خمینی می‌نویسند: "اینان شکسته شدن خطیب جمعه و ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران و از بین بردن شهید زنده و نابودی فریادگر انقلاب اسلامی در سازمان ملل را بیشتر خوشحال بودند تا بیان ولایت مطلقه الهیه... ایندک که با دومین پاسخ بر دومین نامه همه توطئه‌ها خنثی گردید... صمیمانه تشکر و تقدیر می‌نمائیم" (کپهان رژیم ۶۶/۱۰/۲۴).

بوی توطئه همه جا به مشام می‌رسد. حکومت توطئه تمامی باندهای درونش را فعال کرده تا علیه یکدیگر توطئه کنند. وقتی فاسدترین عناصر یک جامعه، علیه تمامی جامعه، صف آرا می‌کنند تا منابع ملی را غارت نمایند، تا مردم را تاراج نمایند و تا همچون کرگه‌های گرسنه بجان هم نیافتند، چیزی بهتر از حکومت بحران، توطئه، فساد، بوجود نیامد. توطئه‌گران همیشه برای از صحنه خارج کردن حریف، برگ جدید دارند و هر بورد جدید، طرفی‌های ذینفع را فعال تر وارد صحنه می‌کند. محمدرضا پهلوی یکی از سرکردگان "فقه سنتی" و از رهبران تجار "محترم" در مباحثه با روزنامه رسالت، در دفاع از شورای نگهبان و استقلال آنان از خمینی می‌گوید: "فقه‌های شورای نگهبان از مجتهدین هستند. یعنی تقلید برای آنها حرام است و نمی‌توانند تقلید کنند" (روزنامه رسالت ۶۶/۱۱/۷).

همچنین در درون رژیم بحثی تحت عنوان "مصلحت نظام" بوجود می‌آید که يك بحث کاملاً مشخص است. بحث‌های گذشته درون رژیم به شکل "مجازی" با واقعیت‌ها برخورد می‌کرد. مثلاً غیر اسلامی بودن و یا خلاف قانون اساسی بودن حربه‌های بود که شورای نگهبان علیه باند رفسنجانی و دولت استفاده می‌کرد. وقتی خمینی با اعلام "ولایت مطلقه فقیه" و صدور فتوا این حربه را از کنار انداخت، بحث "مصلحت نظام" شکل حقیقی مدتها برای بی‌خاصیت کردن شورای نگهبان خود ساخته تلاش می‌کرد، ارکان دیگری بنام "مجمع تشخیص مصلحت نظام جمهوری اسلامی" (رادیو رژیم ۶۶/۱۱/۱۷) ایجاد نمود. تا شورای نگهبان را بی‌کاره نماید، شورای نگهبان که خود مجلس را بی‌خاصیت نموده بود. اکنون بوسیله خود خمینی به کنار صحنه رانده میشد. خمینی بیشتر از هر کس دیگری میداند که در مواقع بحرانی نمیتوان با همه‌ی گواشات درون حاکمیت سازش نمود. اینرا خمینی از ابتدا تاکنون رعایت کرده است، اما آنچه به این ساله در شرایط

رسالت

پنجشنبه ۵ خرداد ۱۳۶۷

سوم مقاله

فاتحان فتح المبین باخیزید



حسد و زور و زور خوار سازش و زور ایش عراق دغا و دروز جبر و سبک مواضع و پندگان اسلام در صلحه هشم شد. آیا این اخبار کافی نیست که به هر فرسند سلطان با وطن دوست ایرانی این سنده و با تکت که اگر صدام متجاوز فرصت پیدا کند مدعیتر گردد صدام خصمانه و تجاوزات خود را از سر می‌گیرد! آیا هنوز جان نریده برای حرکت از ما باقی مانده که استگناز شرق و غرب با نام فوا به کشت صدام شاه را حلقه محاصره به دور جمهوری اسلامی را رنگ و رنگت ندارد! آیا امروز روز دینگ است؟ امروز روز نسیس در خانه و کاشانه و جدای ما خواسته روز تنها گذارن لشکرکمان اسلام و درود قبول آیت برای ملت سر هزاران و سلهای آمده است!

مبارکین امروز عاشورا است، ایران کربلاست، و منطقه جبهه باسنگری ندای «هل من ناصر» است، به ناه امام در آستانه انتحارات مخلص سوه، که ظاهر ارتباطی با انتحارات نداشت آنان در گون حال طین افکر است.

«ملت شهید پرور ایران نداند، این روزها روز امتحان الهی است، روز برخاست علیه کسانی که با اسلام کت در میانه دارند، روز انشقاق از کفر و بنفالی است، روز فدای کار است، امروز روز عاشورای حس است، امروز ایران کربلاست، حسان آماده باشید.

حمقانه است که با صلا-والصلاح- بهر اسب که نصی می‌رساند، کدرنده‌اران را محکم کند، ای آزادگان و احزاب یارخیزید، قدرتیای بزرگ شرق و غرب می‌خواهد شما را در زبر چنگه‌ها و جنگ‌های کثیف و جویین خود حرد کند که حس آت به نگویند.

... امروز روز مقاومت است چنان بر صدام و آمریکا و استکار غرب سلس زنده که برق آن حسان استکار شرق را کور کند.

امروز روز دینگ نیست، امروز روز صف انسانیت است، امروز روز جنگ است، روز احقاق حق است، و حق را باید گرفت، انتظار اینکه جهان خوابان ما را باری کند بی حاصل است.

امروز روز حضور در جبهه جهاد و شهادت و صدان نرد است، روز نشاط عاشقان حیدات.

روز حش و سرور عارفان الهی است، امروز روز به نرسای فرشتگان در سانس انسانهای مجاهد ما است. دینگ امروز فدای استبازی را به دنبال دارد، امروز باید انسان محبت دنیا را ازین سرور نموده و در جهاد و مقاومت بوشید، و در اقی قلعه فخرتیا ظهور نسیس به پیش ناست و حسان غاه خون شهیدان بود.

فرزندان... به سون حسیه‌ها هجوم برید تا ضربات بی درین شما توان وامان دشمن را بگریز که انشاءالله بیروز خواهد شد.

الرائد لا یکنذب اهله، امام، بهر مستضعفان جهان همیشه خطرها را فریاد کرده است به وظیفه الهی خویش بدون هیچ کاسی قیام نموده است و امروز این ما هستیم باید پیمان خویش را با وی تجدید کنیم. نکند امام را تنها گذاریم، نکند مرده نفرین همه سلهای آمده قرار بگیریم، نکند همچون آنها که علی و حسین را تنها گذاشتند امام را تنها گذاریم.

بما آوزیم که شعار همیشه نماز جمعه ما این بود که «ما اهل کوفه نیسیم... اگر ما را بیز نابود شدن و کشتن معترز کرده‌اند پس «هیهات منا الفلک» ما تا آخرین نفر، آخرین سنگر، آخرین منزل آماده شهادتیم، ما تکیه بر عزت عزیز مقدس و صلف داریم، ما تکیه بر اینکه مومنان را از نزل عبور داد و فر فرعونان را غرق کرد زده ایم. کشتنسان ما نوح است ما را از طوفان جدا ناک... صله و سالار ما حسن است، ما را با ننگ اسارت چه کار!

وما النصر الا من عند الله العزیز

خمینی غربیتی در گزاف اببحران

کنونی برجستگی بیشتر می‌دهد، ایست که خمینی از حالت "داور" خارج شده است. بخش مهمی از آخوندهای طرفدار خمینی که در تمام جنایات سرکوب-بکرانه و جنگ افروزان او شریک بوده و از این طریق منافع کلانی به جیب زده‌اند، خصلت و جهت مانور-های خمینی را علیه منافع خود می‌دانند؛ افرادی مثل آخوند امامی کاشانی، آخوند راستی و آخوند کنسی آخوند جوادی اصلی، آخوند خرتلی و آخوند یزدی که از ارتجاعی ترین افکار پیروی کرده و تابستغ-ارتجاعی ترین بخش های اقتصاد جامعه (تجارت خالص) بوده و خود از ثروتمین های "ولایت فقیه" بوده و با این حربه بسیاری از رقبای از صحنه خارج کرده‌اند، اکنون باید با خود از صحنه خارج شوند و با عقب نشینی هایی بسود منافع کل رژیم انجام دهند، خواست خمینی، برخورد دوم است، ولی در روند گسترش مبارزه طبقاتی همیشه نمایندگان تمام سعی طبقات و جریانات اجتماعی، بهمانگونه که منافع تاریخی آنان ایجاب می‌کند، عمل نمی‌کنند.

عزمه بعدی شدت یابی تشادهای داخلی رژیم -ساله انتخابات و جنگ بود.

در تاریخ ۱۰ اسفند ۶۶ جنگ شهرها آغاز شد، خمینی با اطلاع از اینکه عراق دارای موشک‌هایی است که می‌توانند تهران را هدف قرار دهند، پس از مبارزان با آیشگاه تهران توسط هواپیماهای عراقی چندین موشک بسخت بغداد شلیک نمود که در مقابل عراق نیز تهران را مورد حمله مستند موشکی قرار داد. اما خمینی در مقابل این اقدام تاسف آور، با بسک موشک‌گیری و قبحخانه، عمق قسی القلب بودن خود را نشان داد. خمینی روز بعد از شروع جنگ موشکی شهرها اعلام نمود که "مردم ایران سر جای خود ایستاده‌اند و می‌خندند" (رادیو رژیم ۶۶/۱۲/۱۰).

جنگ موشکی فرصت مناسبی به جناح رقیب دولت داد که بهخوبی دولت را زیر سوال ببرد. مدرسیین حوزه علمیه قم طی اطلاعیه‌ای که بتاريخ ۶۶/۱۲/۱۶، در روزنامه‌ها منتشر شد اعلام نمودند که: "ملت ایران دیگر نمیتواند شاهد مدارا و حسن رابطه ست مسئولین کشور با دولت هایی باشد که بر خلاف ادعای دوستی، به رژیم عراق اجازه می‌دهند که از این سلاح ها استفاده نماید و مسئولین باید در روابط حسته خود با این دولت ها تجدید نظر نموده ...".

در این اعلامیه در رابطه دولت موسوی (جناح حاکم) با اتحاد شوروی ابهام ایجاد می‌شود، تا بدین وسیله بتوانند با مارک "چینی" بودن دولت، فرصت برای بیشتر تحت فشار قرار دادن آنرا از دست بدهند. در تاریخ ۶۶/۱۲/۲۷، با لایحه رژیم با جمع آوری نیرو در شمال، چند حمله بخراک عراق صورت داد. خمینی با هیاهوی بسیار پس از اشغال حلبچه به محسن رضایی پیام داد و از او ستایش فراوان کرد. میان تپی بودن این ستایش ها چند ماه بعد و هنگامی که محسن رضایی در صحنه تلویزیون به خطاهای خود در جنگ که منجر به از دست دادن قوا و شلمچه گردید اعتراف کرد، و اشکار میگردد.

ماجرای اشغال حلبچه، در روابط بین کردهای مخالف دولت عراق و رژیم خمینی نیز تغییراتی به ضرر رژیم خمینی بوجود آورد. یکی از گروه‌های کرد عراقی معتقد بود که حلبچه در ابتدا توسط نیروهای این جریان از دست نیروهای عراقی خارج شده است و رژیم خمینی بعدا وارد قصبه شده است. اما آنچه در عمل اتفاق افتاد این بود که رژیم خمینی کنترل حلبچه را در دست گرفت و حتی برای عبور و مرور کردهای عراق، اجازه عبور از رژیم را ضروری اعلام نمود. دولت عراق در مقابل این تعرض رژیم خمینی بخراک عراق، با استفاده از سلاح شیمیایی نیروهای رژیم خمینی را میخکوب نمود. خمینی در آستانه سال جدید، هنگامی که مردم ایران زیر تمامی فشارها و سختی ها که تماما بعلت وجود رژیم خمینی است، قرار داشتند، طی پیام خود با قطع جنگ و مبارزه مردم علیه جنگ، و برای صلح، مخالفت نمود و اعلام کرد که "اشخاصی هستند که تو خونه نشینند و بن می‌زنند، تو خونه نشینند و به مردم تبلیغ می‌کنند که نرید به جبهه... خدا انشاالله بیدار کند اینها را... خداوند انشاالله اشخاصی را که مخالفت می‌کنند یا از روی عمد با از روی عرش کنیم نفیسی مخالفت می‌کنند، اینها را بیدار کند..." (رادیو رژیم ۶۶/۱۲/۲۰).

با نزدیک شدن انتخابات، مبارزه برای ضعیف کردن تجار "محترم" در مجلس بالا می‌گردد. به ابتکار خود خمینی در "جامعه روحانیت، مبارز" اشعاعی بوجود می‌آید و خمینی نزدیکترین افسراد

رسالت

دوشنبه ۶۷/۲/۱۹
سال سوم - شماره ۶۲۲

«پیروزی در جنگ و پیامدهای بازدارنده داخلی»

پس از حملات آمریکا علیه جمهوری اسلامی در خلیج فارس، دورانی از جدت و انزیم نیروها و ایست سر که اودید. اکنون ششگان در انتظار پیرو برای از این انزیمها و افزایش جدات حتی علیه نیروهای مخالف عراق هستند. آنچه که ما را واداشت تا دستمان را طرح چند نکته به صورت گفتار کنیم اینست که به نظر می‌رسد روشن موجود ما را نسبتا قدری می‌سازد با جنگ را ادامه دهیم اما چیزی را که ما نایبند آن همین برنامه‌هایی است که به اجرا درآورده اند آنها سجز به «پیروزی نهایی» گردد. نکته برجست موقعیت نظامی بری ادامه جنگ، و در نتیجه از دست دادن زمان به سود ما نیست. ما دایستی در «گرواخرین زمان» ممکن «پیروزی» را بر راه روی می‌مانیم. این سخن از آن جهت است که پیروزی را می‌باید از زمان و هدف روشن است. بلکه آنرا به این دلیل مطرح می‌کنیم که بگذریم هر چه زمان وقت بپسری می‌گذرد، گستر قدر حواشی بود به پیروزی دست یابیم و امکانات ما برای رساندن به این هدف محدودتر می‌گردد. گرچه بررسی و احصاء اشکات این نظریه که گذشت زمان به سود ما نیست، باارسانه بک تحلیلی همه جانبه است. اما ما تنها به تحلیلی های مرتبط به مسایلی داخل کشور و این زمینه اشاره نمود و بجهت تکمیل آنرا به آینده متوکل می‌کنیم:

- ۱- از دست دادن زمان برای من مناسبت جنگ با ابعاد اقدام «دعوت عمومی اشخاص مختلفه» همه جا همه‌های سرد نموده اند و همدارای صحت از انجام حمله نظامی می‌توان بود است. اما هر بار شاهد آن بودیم که طی زین استکبار علیه جوانان، این نیروها با در «ادامه جنگ» به شکل موجودی مؤثر استفاده قرار گرفت. این در وقت در کتب پیروزی کسر دیده شده است. در این باب «عز جباری باید» افشا کرد که گفت زمان به ضرر ما است، چرا که ما از دست دادن زمان و تکرار پیش اوری این دوره‌های عمومی و همه نگارگری این نیروها، از حمایت و حذر بودن مناسبت «پیروزی» گامت می‌شود. به طور نمونه از آخرین سری اقدامات از این قبیل می‌توان طرح افراغ دانشجویان را مطرح نمود. در آنزمان پس از ایجاد حوض مبارزین مناسبت در فضاهای آموزش و بحث و گفت و شنودهای فراوان، تصمیم بر آن شد که از میان همه دانشجویان آنهایی که قدرتم یابانی تحصیلات خود هستند، درس را بجا کرده و به جبهه‌های جنگ اعزام کنند. اینگونه این حرکت چه منافع و مضرتی برای ما داشته، جای بحث مناسبت دارد. اما از این نیروها چه استفاده‌ای شد؟! با توجه به شواهد و قراین فراوان، اکثر این افراد جزو پرسنل نظامی در شهرهای مرکزی نماندند! البته دستفراشی نیز افراغ گردیدند که به خیال می‌کنان نیروهای خطوط پشت جبهه بپوشند؛ ندیده اینکه، قضاوت مشخص حواشی را که حد اکثر شش ماه فاصله زمانی تا پایان تحصیلات خود داشته نام کتب پیروزی نهایی از ادامه حرکت خود بازداشتیم. لیکن آنها را تنها

در حمایت همه نمودیم لغین باقی حرد بخار نموده. با این «انسان» باور ما نسبت به اینکه تلاش بیگانه جنگ کردن، «پیروزی» است را که نفس کشند؟! سخن بر سر به کارگیری صحیح نیروهای افراغ است در جهت تحقق هدف واقعی جنگ یعنی کسب پیروزی نهایی.

۲- از نظر صفای داخلی زمان، بلغ ما نسبت جزا که دور به زیر سایه اقتصادی سرده فاقی همبستر می‌گردد. حقیقت اینست که در زمان همه اشخاص جامعه، به جریمت طبعه ویژه که در اندامی سرزای می‌سوا استفاده از وضعیت اقتصادی موجود به دست می‌آورد. نتیجه اشخاص جامعه در این جرعه اقتصادی دارای کارنده نیستند و در واقع در حال استفاده از این اشخاص و احوال رفاهی ملی خود هستند. اقتصاد شرایط جنگ هم چیزی نیست که جنده منوط به حواشی ما و سیاست گزاران اقتصادی در داخل کشور باشد بلکه داعیه اشغال فشارهای قدرتمند اقتصادی در مداخلات بین المللی گالاست. سخن ما اینست که با طبع «سینه و خرد» این اشخاص برای مردم عقابو ما هست. باید بگذریم پیروزی را عینی ساخت. مردم واقعی باید که از نظر اقتصادی به نگاره مناسبت شود فشارهای فطقی را در زمان مشخصی بدست آرد، تا اینکه دوره مناسبت شود و سپس حالت تعاضلی جمهوری اسلامی در جنگ حفظ شود.

۳- از تجربه سال می‌دهد که هر چه از جنگ می‌گذرد، عراق به انحصار ضعف شدید نظامی حواشی در صحنه‌های جنگ در نماند است. با از برای دست یابد تا با آنها نماند بر ما «فشار وادای و نظامی» بصری» وارد سازد. عراق سال گذشته امکان مهاجمه موشکی که شهرهای مرکزی و دور از مرز ایران و از جمله پایتخت را داشت، اما اکنون آنرا دست آورده است! امکانات عراق در استفاده از سلاحهای شیمیایی ما حتمی پیش بسیار محدودتر از این زمان بود. در حال حاضر عراق می‌تواند کسر قابل پس سی است که حمایت عدم ابرای حفظ او حاضرند تا کجا پیش برود؟! «براهه» این فرصت را به عراق می‌دهد که اهرمیهای فشار بیشتری به دست آورد. نکته فراموشی «مردم» در این زمینه، راه حل عادلانه‌ای برای حرکت در جهت «کسب پیروزی» نیست!

۴- «عراقی نگه داشتن اوضاع داخلی» سیاست عمده ما در مسایلی داخل در به اولی حواشی تحمیلی بوده است. اگر واقعا «جنگ در این مورد» است، «عاقبت سازی» سیاست منطقی و معقولی به نظر می‌آید. هر چه زمان طولانی تر گردد، خرج اشرافه عادی «بندگنی روزمره» دشوارتر و اجری سیاستهای «ویز» شرایط جنگی» دشوارتر می‌گردد. وضع حال «در شرایط جنگ» به آن دلیل که غیرعادی می‌نموده بودیم باک «حسته ضعیف» برای نظام نیست. جنگ ماه بیان کننده فرسنگ است که فقط حواسمان «تسخیر و پیروزی» است و نباید این نکته را در تعیر حساب موجود نادیده گرفت.

۵- «برنده صلح با جنگ» سر سرری صعودی طی سوزنده است! سنگهای تبلیغاتی حارسی روز به روز جای بصری را در بین مردم ما برای «حاشی برآفتاب» باز نموده اند. مردمی با نادیده گرفت که «سنتعاضه» بک صلاح برده است. ما در این زمینه به همدار دستمان خود نسوزیم. این ضعف ناشی از سیاست گزاران تبلیغاتی ما نیست بلکه از عدم برخورداری از قدرت کافی برای نفوذ و توجه افکار عمومی ناشی می‌شود. زمان «جدت سکون» فرصت می‌دهد که راهی را که در انحراف افکار عمومی و تبلیغ معری در بین گروه افکار ایداه دهد. با به سر درگن مقصود حواشی برسد. به طور طبیعی و خلاف حواسه حردمان، ما هر چه در حواشی هجوم «حزبی» و «نقلیاتی» حزبی هستیم و این همیشه ما را در حالت دفاعی و متحرک «نقلی» قرار می‌دهد.

به امید اینکه در گریه‌های زمان مسکنه، راه پیروزی در برزیده شود و پیروزی نهایی نصیب امت پیامبر(ص) و علی(ع) گردد.

استادال
«تلفن سیاست داخلی»

"انجمن اسلامی معلمان" و "خانه کارگر" خود را متشکل میکنند. اما هنوز باید به تجار "محترم" که بسیار رودار شده‌اند، قرضه وارد نمود. خمینی خود به صحنه می‌آید و طی پیامی خواستار میشود که مردم به "اسلام آمریکایی" رای ندهند. بدین ترتیب خمینی رسماً اعتراف می‌کند که در نمایش انتخاباتی رژیمش در حالی که هیچ نیروی ترقیخواه و مردمی شرکت ندارند، طرفداران "اسلام آمریکایی" به راحتی خود را کاندیدا کرده و انقدر خطرناک هستند که خمینی مجبور است خود برای نفی آنان به صحنه

بخود را تحت عنوان "روحانیون مبارز" در مقابل جناح مخالف علم می‌کند. جبهه بندی در انتخابات بصورت دو جناح اصلی با دو سازماندهی مجزا، شکل نهایی خود می‌گیرد. اختلاف بازار، حجتیه و طرفداران خائضی و مهدوی گنی در "جامعه روحانیت مبارز" که ضمناً خواستار همکاری با جناح "فلائی خط امامی" است، متشکل میشوند و جناح مدافع دولت، که خود را مدافع "مستضعفان و مجروران" که در واقع همان، لومین ها، حاشیبه تولیدها، چاقوگشا، گداهای دوره گرد... هستند در "دفتر تحکیم وحدت"، "روحانیون مبارز"

خمینی غربیتی در کرد اب بحران

آید. خمینی در این پیام خود به بدنه " حزب الله " که بقول مردم کوچک و بازار کلاه کشادی سرشان رفته وعده و وعید می‌دهد و از آنان می‌خواهد که " بسه نمابندگانی رای دهند که متعهد به اسلام و وفادار به مردم باشند و در خدمت به آنان احساس مسئولیت کنند و طعم تلخ فقر را چشیده باشند و در قول و عمل مدافع اسلام پابرهنگان زمین، اسلام مستضعفین اسلام رنج‌دیدگان تاریخ ، اسلام عارفان مبارزه جو اسلام پاک طینتان عارف و در يك كلمه مدافع اسلام ناب محمدی (ص) باشند و افرادی را که طرفدار اسلام سرمایه‌داری ، اسلام مستکبرین ، اسلام مرفهین اسلام منافقین ، اسلام راحت طلبان ، اسلام فرصت طلبان روزبیکه کلمه اسلام امریکایی هستند ، طرد نموده و به مردم معرفی نمایند " (رادیو رژیم ۶۷/۱/۱۱)

اگر کسی بر حسب تصادف در این جهان بزرگ پیدا شود که نداند خمینی چه موجود قبی القلب ، بی رحم ، جنایتکار ، ارتجاعی و میکتاتوریت ، فکر میکند خمینی از قماش آن " عارفان مبارزه جو " شی است که خودش برای تعمیق مردم از آن دم میزند اما مردم ایران که در تجربه خمینی و حرکات او کاملاً شناخته‌اند با تحریم انتخابات، جواب مناسبی به خمینی دادند.

دور اول از سومین دوره نمایش انتخابات مجلس ارتجاع در تاریخ ۶۷/۱/۱۹ برگزار گردید. تمامی ناظرین و خبرگزاریها به شکست رژیم در این نمایش انتخاباتی اشاره کردند. از شهر ۷ میلیونی تهران در دور اول که تعداد شرکت کنندگان بیشتر است، نماینده‌ای با ۳۰۰ هزار رای (به گفته خود رژیم) به مجلس راه یافت. ضمناً جناح بازار ضربه محکمی از حریف که در قدرت دست بالا را دارد، دریافت نمود. پس از انجام دور دوم نمایش انتخاباتی معلوم شد که از ۳۰ نفر نماینده ارتجاع در شهر تهران ۲۷ نفر از کاندیداهای "روحانیون مبارز" هستند. بسیاری از سران جناح "بازار" به مجلس راه نیافتند. این امر موجب تشدید بیشتر تضادهای گردید. در عمر روز ۶۷/۱/۲۵ ناو امریکایی ساموئل رابرتز ، با مین‌های کاشته شده بوسیله جمهوری اسلامی برخورد کرد و آسیب دید. امریکا شدیداً به جمهوری اسلامی اعتراض نمود. در همین روز خمینی یکبار دیگر در جواب کسانی که انشعاب از "روحانیت" را به صلاح می‌دانستند، اعلام نمود که تکبیل "روحانیون مبارز" با نظر کامل خود او بوده است. شورای مرکزی این شکل خمینی ساخته طی نامه‌ای پروسه شکل گیری خود را به خمینی اعلام نمود و نظر او را جویا شد. خمینی در جواب نوشت " مسیبر فضیه بهمین صورتی است که در نامه آورده‌اید " (رادیو رژیم ۶۷/۱/۲۵).

در آن روزها اوضاع رژیم شدت بحرانی تر میشود رفسنجانی در مجلس ارتجاع اعلام میکند که " بسه نمایندگان مجلس دوستانه تذکر می‌دهم که ارتزیون آزاد مجلسی به خاطر اینگونه مسائل سو استفاده نکند. به رسانه‌ها تاکید میکنم که پل این کناه بزرگ

نشوند و سعی کنند این گونه حرفهای تفرقه انگیز را سامور کنند و نگذارند که اینها منتشر شود " (رادیو رژیم ۶۷/۱/۲۶)

در تاریخ ۶۷/۱/۲۹ ، سیاه هفتم ارتش عراق بندر فاو را از اشغال خمینی خارج نمود. این یسک ضربه سنگین سیاسی ، نظامی و حیثیتی برای رژیم بود که بخصوص طی دو سال گذشته روی اشغال فاو تبلیغ بسیار کرده بود بشمار می‌رود.

حدود ۱۲ ساعت قبل از این ، نیروهای نظامی امریکا در خلیج فارس ، دو سکوی نفتی ساسان و رخس و نیز چند کشتی و ناو متعلق به رژیم را بمباران کردند. بعداً معلوم شد که رژیم نجی از نیروی دریایی اش را در این بمباران از دست داده است. سران رژیم در منتهای عجز و ناتوانی ، تنها بسه هیاهوی میان تپی پرداختند. در تاریخ ۶۷/۱/۳۱ ، دولت عراق جنگ شهرها را قطع نمود و این در حالی بود که تعادل در جبههها کاملاً بسود عراق بود. رژیم نه فقط عملیات موثر انجام نداده بود، بلکه هیچ چشم اندازی برای انجام عملیات موثر نداشت.

در تاریخ ۶۷/۲/۷ ، عربستان سعودی روابط خود را با رژیم خمینی قطع نمود. اوضاع آنقدر به ضرر رژیم جریان داشت که مطبوعات اسرائیل که عموماً از رژیم حمایت می‌کردند هم صدایشان در آمد. روزنامه اسرائیلی هآرتز در شماره روز ۶۷/۲/۱۰ خود نوشت " افسانه رژیم تزلزل ناپذیر کنونی در ایران در هفتههای اخیر در حال از هم پاشیدن است. حکومت اسلامی ایران در ماههای اخیر شکست های متوالی و متعددی را متحمل شده است. رژیم که می‌خواست در تمام طول جبههها به عملیات متفرد تکیه و متوالی دست زند ، اکنون به شکست های متوالی موثر و متعدد در تمامی عرصهها دچار شده است. رژیم با آزاد سازی گروگانهای فرانسوی در اردیبهشت ماه ، به دولت دست راستی شراک در مبارزه انتخاباتی اش ، ظاهراً يك امتیاز بزرگ می‌دهد. اما

در تاریخ ۶۷/۲/۱۸ ، حزب سوسیالیست فرانسه در انتخابات ریاست جمهوری فرانسه پیروز میشود. شکست شراک ، يك شکست برای رژیم خمینی بود.

در تاریخ ۱۷ اردیبهشت اسال، ریچارد مورفی در سمپوزیوم صدای امریکا تحت عنوان " امنیت خلیج و جنگ ایران و عراق " مواضع دولت ریگان را پیرامون اوضاع جنگ بیان نمود. معتبرترین نکات از این سخنرانی بقرار زیر بود:

"- جنگ خلیج فارس و امنیت این منطقه سالیات که افکار دولت امریکا را بخود مشغول داشته است"

"- تاریخ اقتصادی امریکا و سحدانش از دیر باز در خلیج فارس ریشه داشته و منافع غرب در این منطقه باید محافظت شود. از اینروست که جنگ خلیج فارس باید سریعاً پایان یابد"

"- پاسداری از منافع ایالات متحده در زمانیکه جنگ همچنان ادامه دارد و دوم تلاش در جهت پایان دادن به جنگ"

"- امریکا می‌خواهد مطمئن باشد که هیچ قدرت غالبی که با منافع امریکا در حالتی خصمانه باشد، عنان اختیار را در کف نخواهد گرفت"

"- امریکا به تلاشهایش برای قطع جریان اسلحه

به ایران ادامه خواهد داد"

(بخش شامگاهی رادیو امریکا- ۶۷/۲/۱۷)

در تاریخ ۶۷/۲/۱۹ ، رئیس ستاد ارتش خمینی تعویض شد و سرتیپ علی شهبازی از طرف خمینی به این سمت منصوب شد. در تاریخ ۶۷/۲/۲۰ ، خبرگزاریها گزارش دادند که شش گروه کرد عراقی ، طی اطلاعیه‌ای که در دمشق منتشر کردند ، به ایجاد یسک جبهه مباردت ورزیدند. اینکه این جبهه در سوریه تشکیل شد و از گروههای اسلامی در آن حضور ندارند و اینکه مدتهاست که توسط این گروهها ، عملیات مشترک با نیروهای رژیم خمینی نمیشود ، نشانی از فاصله گیری بین این گروهها و رژیم خمینی است.

در تاریخ ۶۷/۲/۲۲ ، عراق بزرگترین نفت کش جهان بنام سی‌ویز جانیت که در اجاره جمهوری اسلامی بود را همراه با چهار نفتکش دیگر که در اسکله‌های لارک بودند را شدت بمباران نمود. نفت کش یانصد هزار تنی سی‌ویز جانیت پس از چند روز آتش سوزی غرق شد.

در تاریخ ۶۷/۲/۲۵ ، نخستین کاروان نیروهای اتحاد شوروی از خاک افغانستان خارج شدند، فعالیت جناحهای مختلف و دولت های ذینفع، در رابطه با آینده افغانستان هر روز شتاب بیشتری می‌گیرد.

در تاریخ ۶۷/۲/۲۷ ، سران رژیم و منجمه مهدوی کنی و آخوند فلسفی بمناسبت عید فطر با خمینی دیدار کردند. خمینی در اینجا باز هم به اختلافات درون رژیمش اشاره نمود و کوشش کرد که آنرا تخفیف دهد. خمینی گفت " دو جبهه نیست، البته دو تفکر است. لکن سلیقه‌های مختلف اسباب این نمیشود که انسان با هم خوب نباشد " و این در حالی است که پس از برگزاری دور دوم انتخابات درگیری بین جناحهای مختلف رژیم در نقاط مختلف شدت گرفته و در این رابطه هر دم نیز با توجه به شکاف آشکار درون حکومت ، به تظاهرات مختلف علیه جنگ دست زده‌اند.

در تاریخ ۶۷/۲/۲۹ ، رادیو رژیم خبر خبرگزاریها و رادیوها ، مبنی بر نوشتن نامه از طرف آخوند گلپایگانی و آخوند نجفی مرعشی به خمینی در مخالفت با جنگ را ، توسط دفتر این دو آخوند بسزدل و ترسو ، تکذیب کرد. لحن تکذیب به گونه‌ای بود که نوشتن نامه را مسلم می‌نمود. همچنین جامعه مدرسین حوزه قم ، نیز طی اطلاعیه‌ای نوشتن نامه به خمینی در مخالفت با جنگ را تکذیب نمود.

در تاریخ اول خرداد ۶۷ ، تمامی خبرگزاریها خبر تظاهرات پراکنده مردم در شهرهای مختلف علیه جنگ را منتشر کردند. رژیم در اول خرداد در اوج نرساندگی و ناتوانی ، برای روحیه دادن به نیروی دریایی داغون شده اش ، مانوری تحت عنوان مانسور " ذوالفقار ۳ " در آبهای خلیج فارس برگزار نمود. لان و کراف در مورد این مانور ، آنهم در شرایطی که تمامی نیروهای رژیم در پائین ترین سطح روحیه قرار دارند ، برای هیچکس امری جدی تلقی نشد.

در تاریخ ۶۷/۲/۲ ، قانونترین جناح رژیم موسوم به " دفتر تحکیم وحدت " طی يك اطلاعیه تحلیلی خواستار تحقق شعار " جنگ همه جانبه و تمام عیار " شد. کیهان روز ۲ خرداد ۶۷ بیانیه را بطور کامل

خمینی غربیتی در کرداب بحران

منتشر نمود. نکته دوم در این بیانیه اعتراف به شکست در تمامی عملیات پس از خروج نیروهای عراقی از خاگ ایران می باشد. رژیم در یکی از حساس ترین لحظات عمر خود قرار دارد. سران رژیم بطور مرتب با خمینی جلسه برگزار می کنند. دفتر خمینی در تاریخ ۶۷/۳/۲۴، دستور به لغو تظاهراتی که قرار بود در بیعت مجدد با او برگزار شود، داد. این بک شریه حیثیتی و بک عقب نشینی برای خمینی بود.

در تاریخ ۶۷/۳/۲۴ عراق، شلمچه را از دست نیروهای خمینی خارج نمود. این دومین شریه از طرف عراق طی ماههای اخیر به رژیم بود که بحران در روز رژیم را بشدت حاد نمود. خمینی برای گرفتن این دهکده مرزی، بیش از ۷۰ هزار نفر از مردم ایران را به کشتن داده بود. اکنون عراق در جنبه جنوب در پشت مرزهای بین المللی آرایش نیرو نموده است.

در تاریخ ۷ خرداد امسال، دوره جدید مجلسی ارتجاع، کار خود را آغاز می کند. خمینی که به شدت از افشاء مهره های خود می ترسد، به نمایندگان نهیب میزند که حق هیچگونه بحث و نظر پیرامون مسائل مختلف را ندارند. وی در پیام خود می گوید:

" من احتمال می دهم که عوامل و دستهای ناپاکی بخواهند از رقابت های انتخاباتی در رسیدن به آرزوهای خود استفاده کنند و با طرح مسائل بوج و بی معنی دلها را از یکدیگر جدا سازند و یا با تردید و ایجاد ذهنیت ها، صحت و سلامت انتخابات و نهایتا مشروعیت مجلس را زیر سوال ببرند. خصوصاً در اعتبار نامه ها به مسائل شخصی و گروهی نپردازند." (رادیو رژیم ۶۷/۳/۲۷)

پیام خمینی به مجلس خود افشاء کننده دوره سوم مجلس ارتجاع است. مجلس باید گوش بفراوان و آماده به خدمت " امت حزب الله " باشد. مجلسی که بسیاری از سران رژیم نیز در مورد موفقیت آن تردید دارند. بهمانگونه که در مورد انتخابات آن روزنامه کیهان می نویسد: " انتخابات در موقعیتی برگزار می گردید، که حتی بعضی از مسئولین نیز گرفتار تردید بودند. " خمینی بخوبی از این " تردید " ها خبر دارد و می داند که اولین تاثیر این " تردید " ها در جنبه های جنگ ضد مردمی اش است. وقتی نفرت عمومی از خمینی بالا می گیرد،

وقتی باندهای درون رژیم به این واقعیت بیشتر واقف میشوند که بدون خمینی قادر به پیشبرد هیچ کاری نیستند، وقتی در مملکت همه چیز جز غارت و سرکوب فلج شده است، وقتی حتی بسیاری از سرکردگان رژیم، به اوضاع فوق العاده بحرانی اعتراف میکنند و همه ترقندها نیز سرعت بی اثر میشود، راه برون رفت از بن بست برای خمینی کدام است؟ آیا خمینی اساساً قادر است از بن بست خارج شود؟ آیا گرگها میتوانند بدون سرگرد تویه کنند؟ دیکتاتور خون آشام جماران، چه راهی در پیش خواهد گرفت؟

حکومت ارتجاعی و قرون وسطایی خمینی، در تناقض با ساخت و بافت جامعه از یکطرف و از طرف دیگر در تضاد شدید با توده های مردم، باید هر چه بیشتر

بعثت تمرکز قدرت در دست يك نفر، تکمیل دیکتاتوری فردی، بی خاصیت کردن ارگانهای کسه ساختار اسمی آن رژیم را تشکیل می دهد. سرکوب جناحهای مزاحم و حرف نشنو، پیش رود. خمینی وقتی " ولایت مطلقه فقیه " را اعلام کرد، ما گفتیم خمینی آنچه را " اعلام " کرده که بدان " عمل " می کرد اکنون که پرده ها کاملاً کنار رفته و " است همیشه در صحنه "، در صحنه قدرت واقعی، جز خمینی کسی را نمی بیند، چرا این پدیده کامل نشود؟ ابتدا " ولایت مطلقه فقیه " اعلام میشود، سپس شورای نگهبان بی خاصیت میشود. " مجمع تشخیص مصلحت نظام جمهوری اسلامی " توسط " احمد " کنترل میشود. مجلس نیز با انشعاب در " جامعه روحانیست " در کنترل قرار می گیرد. باید قدم دیگر برای مقابله با بحرانهای آتی برداشته شود. قدرتهای متعددی در دستگاه جنگی رژیم که روزگاری سودهایی برای خمینی داشت، اکنون به پاشنه آشیل تبدیل شده و خطرات زمانبازی در روزهای بحرانی دارد.

" فرماندهی واحد " و سرکوب " مخالفین " از هر نوع در دستور کار خمینی قرار می گیرد. خمینی که خود " فرمانده کل قوا " بود، باید از طریق مهره های خود، تسلط کامل بر ارگانها و نیروهای جنگی پیدا می کرد. خمینی آن " سلطان "ی است که در " جسم " بعضی آخوندها کاملاً " حلول " کرده است. احصاء و اعضاء " بیت " امام از آن جمله اند. رفسنجانی مخاطب ترین مهره گوش بفرمان خمینی است. شاید دقیق تر آن باشد که بگویم " رفسنجانی " خود خمینی در ابعاد کوچکتر است. بک وقیح فرومایه، بک دروغگوی بی آبرو، بک شاید " ترمولیت " بکرمال اندوز عوام فریب، خمینی تا کنون بسبب بازی از حرفهایی را که خود " صلاح " میدانست بیان کند.

از زبان رفسنجانی بیان کرده است. بوسیله رفسنجانی، منتظری را از دور خارج کرد، هم بوسیله او با " غرب " وارد معامله شد. بوسیله او میانسه بازان شد انقلابی را در خارج کشور بازی داد و آنان را علیه مقاومت انقلابی " کوک " کرد. خمینی اکنون بوسیله رفسنجانی هر گونه " تردید " در مورد ادامه جنگ را سرکوب میکند. حکم خمینی به رفسنجانی گویای این امر است. جغد جنگ بر ویرانه های مملکت جنگ زده نعره " جنگ، جنگ، ناپودی " سر می دهد. هر سرباز فرازی، هر بسیجی مرده، هر افسر و درجه دار مخالف جنگ، هر خانواده بی سرپرست و مخالف جنگ، هر ۱۰۰۰ باید بشدت سرکوب شوند. سرکوب با دستور بک نفر، بدون دادگاه و بدون ائتلاف وقتت برای اجرای همان سراحی که " قوانین " معین کرده است. بک حکومت نظامی رسماً اعلام نشده و تمرکز برای ادامه جنگ و سرکوب، چنین است مضمون انتصاب رفسنجانی به " جانشینی " فرمانده کل قوا. " ولایت مطلقه فقیه " با این انتصاب همراه با اختیارات واگذار شده به " جانشینی " فرمانده کل قوا، قابل درک تر و ملموس تر شد.

اما این اقدام خمینی همانند چاره جویی های قبلی اش، هیچ دردی از دردهای بیشمار رژیمش را حل نخواهد کرد، بلکه تضادها را تشدید و بحران را تعمیق خواهد کرد. این وضعیت نیروهای اجتماعی مختلف را به تکاپو خواهد انداخت تا در روند اوضاع

کیهان هوایی - شماره ۲۸۰ - صفحه ۲
چهارشنبه ۱۸ خرداد ۱۳۶۷ - ۸ ژوئن ۱۹۸۸

تهران - ایرنا - ۱۲ خرداد - ۲۷ ژوئن - هاشمی رفسنجانی از سوی امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی به جانشینی فرمانده کل قوا منصوب شد.
بر اساس این گزارش جناب اسلام سید علی خامنه ای رئیس جمهور طی نامه ای از امام خمینی رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران درخواست کرد تا جناب اسلام هاشمی رفسنجانی را به عنوان جانشین فرماندهی کل نیروهای مسلح منصوب فرماید.
در نامه رئیس جمهور آمده است: پیشنهاد شخص اینجانب که فلان سر کتا و شاهها معروف شده این است که:
۱- کلیه امور مربوط به نیروهای مسلح، ارتش، سپاه، راندا مروری ام از عملیات، پشتیبانی، امور سازمانی و اداری و غیره به شخص واحدی منسوس و محول شود.
۲- شخص مزبور از سوی حضرت عالی موفقت شود که امور را از نزدیک و با قاطعیت تمهیت کند.
۳- دادگاه نیروهای مسلح موفقت شود که در تعقیب قضایای مستهجن و اجراء محکومیتها به طور کامل از نظر دستور وی تمهیت کند.
با توجه به همه جوانب به نظر اینجانب تنها فرد مناسب برای تصدی این مسئولیت مهم جناب آقای هاشمی رفسنجانی است.
در پاسخ به درخواست رئیس جمهور این حکم از سوی امام امت خطاب به آقای هاشمی رفسنجانی صادر شد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
جناب جناب اسلام آقای حاج شیخ علی اکبر هاشمی رفسنجانی داماد امامان

- با توجه به هر گیری و روزآوری آمریکای جنایتکار علیه اسلام و ایران و همدانگی غرب و شرق و ارتجاع منطقه در مبارزه با انقلاب اسلامی و جلوگیری از پیروزی اسلام به پیشنهاد رئیس محترم جناب جناب جناب اسلام آقای خامنه ای داماد امامان عالی شان را با تمام احتیارات به جانشینی فرمانده کل قوا منصوب می نمایم و جناب عالی موفقت به اجرای دستورات ذیل می باشد:
- ۱- ایجاد ستاد فرماندهی کل تا تهیه زمینه وحدت کامل.
- ۲- همدانگی کامل ارتش، سپاه، بسیج، و نیروهای انقلابی در تمامی زمینه های دفاع مقدس اسلام. بدین معنی است احصاء و ادغام مورد قبول و صحیح ادارات سازمان های مربوطه و پشتیبانی کننده در همدانگی نیروهای مسلح نقش اساسی را دارا خواهد بود.
- ۳- تمرکز صنایع نظامی و تهیه و تدارک دفاع مقدس و انسجام امکانات تعمیراتی و پشتیبانی، فنی و مهندسی رزمی و آموزشی و تحقیقاتی و نیز بسیج همه امکانات و ابزار در جهت اهداف مشخص از سوی فرمان کل.
- ۴- سعی در استفاده هرچه بهتر از امکانات و نیروها و جلوگیری از به کار گرفتن امکانات مادی و مسمومی در غیر موارد ضروری و در همین راستا حذف و ادغام سازمانها و تشکیلات تکراری و غیر ضروری.
- ۵- تمرکز امور تبلیغی و فرهنگی نیروهای مسلح در تمام زمینه ها.
- ۶- استفاده درست و قاطع از قوانین دادگاه نظامی در زمان جنگ و تنبیه متخلف در هر رده.
- ۷- بهره ریزی صحیح از کمکهای مردمی در تمامی زمینه ها.

قوای مختلفه و اجزایه و ضایعه مؤمنند تمامی امکانات و سیاستهای خود را در جهت نیل بهای جنگ به کار گیرند.

از مردم عزیز ایران و نیروهای نظامی و انتظامی می خواهم تا با بسط و تشکیلاتی انقلابی و با قدرت و استقامت در مقابل توطئه های استکبار جهانی ایستادگی نمایند و مطمئن باشند که پیروزی از آن ماست است.
جهان امروز غرق در ناهرمی ها و جنایات است و شما پدران اسلام در اوج فدائیت و شرافت می باشید. من به همه شما دعا می کنم. خداوند یار و پشتیبان مبارزان راه خدا باد. توفیق جناب عالی را از خدای تعالی مسئلت دارم.
و السلام علیکم و علیکم و علیکم
روح الله العسوی الخمينی
۱۳۶۷/۳/۱۲

ببود جریان خود مداخله نمایند.
ارتجاع و انقلاب در مقابل هم صف آرایی کرده و تمامی تضادهای جامعه را تحت الشعاع خود قرار داده اند. جنبه رفیق می گویند تا در چهارچوب جمهوری اسلامی، بعضی عقب نشینی هایی را به ارتجاع حاکم بشیولاند، اما شدت تضاد و گسترش مقاومت انقلابی مسلحانه، راه حل های رفزمیستی را هر چه کم رنگ تر خواهد کرد. گر چه نمیتوان گفت بکلی ناپود و از صحنه خارج میشود.
جنبش مقاومت انقلابی در این شرایط بحرانی یکی از لحظات حساس عمر خود را می گذراند.
مقاومت مسلحانه با گامهای استوار به پیش میرود، اما در مقابل این مقاومت انقلابی، بک مساله سهم قرار دارد. مقاومت انقلابی مسلحانه باید مساله جذب و سازماندهی " نیروهای اجتماعی " را حل نماید. بدون دست بایی به نیروی خلق، سرنگونی رژیم خمینی در بحران تعمیق یافته

خلق مسلح و سازمان یافته در ارگانهای توده ای شکست ناپذیر است

اخبار و رویدادها...



روز چهارشنبه ۲ خرداد امسال بمناسبت چهلمین روز شهادت رفیق ابوچهاد (خلیل الوزیر)، عضو شورای مرکزی ساف، و جانشین فرمانده عالی نیروهای مسلح فلسطین و مسئول سیاسی - نظامی تشکیلات انقلاب فلسطین در سرزمین‌های اشغالی موجب از تظاهرات در سراسر سرزمینهای منطبقه تحت اشغال صهیونیستها برپا شد. این تظاهرات که به دعوت سازمان آزادیبخش فلسطین صورت گرفتت بخصوص در مناطق بهبودا، شعرون، و ساحل غربی نوار غزه، توسط نیروهای سرکوبگر اسرائیل بخون کشیده شد. توده‌های فلسطین در تظاهرات سراسری خود یکبار دیگر همبستگی خود را با سازه‌های آزادیبخش فلسطین بمثابه تنها نماینده قانونی و مشروع مردم فلسطین اعلام نمودند.

رفسنجانی جنایتکار در نماز جمعه روز ۲۰ اردیبهشت امسال یکبار دیگر ماهیت از جنایت و ضد انسانی خود را در باره زنان به نمایش گذاشت. وی گفت: "امریکا تنها در مرزها توطئه نمی‌کند و در داخل کشور نیز به نوعی به توطئه و شیطنیت می‌پردازد که بد حجابی نیز نمونه آن است و کسانی که مرتکب اینگونه خلافها میشوند باید بدانند ملت این حرکات را تحمل نخواهد کرد." بدین ترتیب رفسنجانی یکبار دیگر هم وحشت خود را افسانه می‌کند.

شکست مقتضحانه رژیم در شلمچه
رژیم در مانده خمینی در ادامه ناکامیها و شکست های نظامی اش در روز چهارشنبه ۲ خرداد ماه جاری در منطقه شلمچه به شکست خفت بار دیگری در مقابل نیروهای عراق تن داد. در جریان این عملیات ارتش عراق که درست ۲۵ روز بعد از شکست ناکهانی نیروهای مزدور خمینی در فاو و بیرون رانده شدن پاسداران سرکوب رژیم از این منطقه شد. نیروهای رژیم تنها بعد از ۸ ساعت مقاومت با بر جای گذاشتن کلیه تجهیزات و سیمات نظامی خود با خفگی و خواری با به فرار گذاشتند. در رستان ۶۵ رژیم خمینی با بر جای گذاشتن تعداد بیشماری کشته در جریان عملیات "کربلای ۵" توانسته بود در این قسمت مناطقی نظیر نهر جاسم، پاسگاه کوت و نهر دوعبجی و جزیره طویله را به تصرف خود در آورده که در حال حاضر کلبه این مناطق را از دست داده است. مقامات مزدور رژیم که در ابتدا با ترندهای مختلف می‌خواستند نوعی از زیر این شکست در گرفته و آنرا کم اهمیت جلوه بدهند، سرانجام مجبور به تائید آن گردیدند. لازم به یاد آوری است که محسن رشایی فرمانده خائن سپاه پاسداران خمینی نیز با ظاهر شدن در تلویزیون رژیم به شکست های رژیم اذعان کرده و مسئولیت شکست فاو را بر عهده سپاه پاسداران دانست.

برخی از رویدادهای تاریخی

تبر ماه

گرامی باد خاطره شهدای قهرمان ۳۰ تیر ۱۳۳۱ که با جانبازی و فداکاری خود، نهال آزادی را با خون خود آبیاری کردند.

۱۲۸۷ - قیام مردم تبریز علیه محمد علی شاه - رهبری سردار ملی ستارخان

۱۲۸۷ - مجلس شورای ملی بدستور محمد علی شاه به توپ بسته شد، آغاز استبداد صغیر

۱۲۸۷ - میزا جهانگیر شیرازی (مدیر نشریه - سورا سراقیل) در فدای کودتای خونین محمد علی شاه در باغشاه تهران بدار آویخته شد

۱۲۹۹ - طی روزهای اول تا سوم تبر نخستین کنفرانس حزب عدالت در بندر انزلی تشکیل و نام حزب را به حزب کمونیست تغییر داد

۱۳۰۲ - شهادت شاعر مبارز، میزا زاده عشقی به دست عمال رضا شاه

۱۳۲۴ - اعتصاب کارگران با لایشگاه آبادان برای اضافه دستمزد

۱۳۲۵ - اعتصاب کارگران نفت جنوب و شهادت ۴۷ تن و زخمی شدن ۱۷۲ تن از کارگران

۱۳۳۰ - مینینگ عظیم ضد امیرالهیستی در پشتیبانی از ملی شدن نفت

۱۳۳۰ - مصافقت چریس مشاور ویژه ترومن رئیس جمهور وقت آمریکا با ایران و برگزاری تظاهرات توسط حزب توده

۱۳۳۰ - تشکیل دادگاه بین المللی لاهه در رابطه با ساله ملی شدن نفت در ایران

۱۳۳۱ - استعفای دکتر محمد مصدق از پست نخست وزیر بمنظور اعتراض به عدم موافقت شاه با واگذاری تمدنی وزارت جنگ به وی

۱۳۳۱ - قیام مردم ایران برای بازگشت دکتر مصدق به پست نخست وزیری

۱۳۳۲ - اعتصاب ۱۰ روزه ۴۰ هزار تن از کارگران کوره پرخانه‌های تهران

۱۳۵۱ - شهادت مجاهد خلق غلامحسین عالمزاده، طی درگیری با مزدوران ساواک شاه

۱۳۵۲ - اعتصاب خونین کارگران نساجی قائم شهر

۱۳۵۸ - راهپیمایی مردم تهران در اعتراض به - در صفحه ۱۰

شهادت فدایی
تیرماه
برای فتح قله‌های
پرسلاطت عشق؛
عشق به آزادی؛
عشق به مردم؛
عشق به برابری؛
یامرگ یاسپیزی.



گرامی باد خاطره
رفیق کبیر حمید اشرف

رفقا: محمد کاظم قهراشی، بهمن راست خدیو، محمد علی خسروی اردبیلی، نسرین آل آغا، گلرخ شهروزاد مهدوی، ناد علی پور نغمه، مارتیک قازاری - سان نزهت السادات روحی آهنگران، محمود عظیمی بلوریان، بدالله زارع کاریزی، اسماعیل نریمسیا محمد رضا (امیر) قصاب آزاد، سعید فرزانه، علی رضا العالی، حمید اشرف یوسف قانع خشکه بججاری غلامرضا لایق مهربان، محمد رضا یثربی، فاطمه حسینی، محمد حسین حق نواز، ظاهره خرم، عسگر حسینی ابرده، محمد مهدی فوقانی، غلامعلی خراط پور، علی اکبر وزیری، مهدی (بهزاد) مسیحا حمید آرمان، بهزاد امیری دوان، افسر السادات حسینی، نادره احمد هاشمی، سیمین توکلی، علی خصوصی، کاظم سلاخی، احمد خرم آبادی، علی اکبر حق بیان، عبدالله سعیدی بیدختی، حجت محسنی کبیر، غلامرضا جلالی، خسرو ماشی، شفیق رمشانی علی اکبر حیدریان، سینا، حمید رضا هزارخانی

با کمک های مالی خود سازمان را در
انجام وظایف انقلابی یاری رسانید

هم میهنان مبارز
سازمان ما برای گسترش مبارزه مسلحانه
انقلابی علیه رژیم خمینی به کمک های مالی شما
نیازمند است.
کمک های مالی خود را بهر میزان که باشد، با
استقامت بدست ما برسانید و با به حساب بانکی
سازمان مندرج در همین صفحه نشریه وارزیر کرده
و قبض رسید و یا فتوکپی آنرا به آدرس صندوق پستی
سازمان در فرانسه ارسال دارید.

حساب بانکی جدید

SOCIÉTÉ GÉNÉRALE نام بانک
BOULOGNE - S. - SEINE آدرس بانک
03760 کد گیشه
00050097851 شماره حساب
MME R.-T.-TALAT نام صاحب حساب

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات
سازمان در امریکا و کانادا با آدرس زیر
مکتبه کنید.

HOVE, YAT
P.O. BOX 2891
RESTON, VA 22090

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات
سازمان با آدرس زیر مکتبه کنید

F. ASSELIN
B.P. 311
75229 PARIS
CEDEX 05
FRANCE